

رئیس - چون مدتی از شب گذشته در صورتی که آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات باند جلسه آئینده جلسه آئینده روز پنجشنبه ۳ ساعت قبل از غروب و دستور آن بقیه مذاکرات در لایحه که مطرح است

**شیخ الاسلام اصفهانی** اجازه می فرمائید؟

رئیس - بفرمائید

**شیخ الاسلام اصفهانی** - بنده دوقدره سوال از آقای وزیر عدلیه داشتم. ولی ایشان تشریف نیاورده اند چون باید اصل دوم و بیست و هفتم قانون اساسی محفوظ باشد.

در قانون ثبت اسناد بعضی تصرفات شده است که با اصول قانون اساسی مخالفند لذا اجازه فرمائید در جلسه دیگر تشریف بیاورند و جواب بنده بدهند.

رئیس اطلاع داده خواهد شد که روز پنجشنبه حاضر شوند. (مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه هشتاد و سوم**

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه نهم برج حمل ۱۳۰۱ مطابق غره شعبان المعظم ۱۳۴۰ مجلس دو ساعت قبل از غروب ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم ۳ شنبه هفتم حمل را آقای سهام السلطان قرائت نمودند)

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) **حائری زاده** - بنده با اصل لایحه الحاق آب کارون به زاینده رود موافق بودم نهایت با این شکلی که به مجلس پیشنهاد شده بود مخالف بودم و در صورت مجلس بنده را بکلی مخالف نوشته اند.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) **محمد هاشم میرزا** - گمان میکنم نقلی که شاهزاده سلیمان میرزا در موضوع خالصجات فرمودند این بود که خالصجات بشریب بانک فلاحتی برعایا و زارعین فروخته شود و قیمت آنها بطور استهلاک دریافت شود و بنظر بنده معنی این کلمه با اینطور که در صورت مجلس ذکر شده که خالصجات برعایا و اگذار شود فرق دارد.

رئیس (خطاب با آقای حائری زاده) ایراد جنابعالی وارد نیست) در اینجا چنین چیزی نوشته نشده که شما (با اصل لایحه مخالف بودید مجدداً قرائت می شود ملاحظه فرمائید)

(آقای سهام السلطان یک قسمت از صورت مجلس را بشرح ذیل قرائت نمودند) آقایان آروسی و حائری زاده اظهار می نمودند در صورت عدم موافقت بالحاق آب مزبور به زاینده رود نیابستی این وجوه باعالی تحصیل شود

**حائری زاده** - بعد از این یک موضوع دیگری است که نوشته شده فلانکس بکلی مخالف بوده است

رئیس - بعد از جلسه مراجعه فرمائید اگر چنین چیزی بود اصلاح می شود.

می شود چند فقره لایحه از طرف دولت رسیده است که عرض می کنم و پس از آن بکمیسیونهای مربوطه ارجاع میشود اول لایحه راجع بکنکرات یک نفر برای مدیریت ضرابخانه ارسال می شود بکمیسیون بودجه و قوانین مالی. لایحه دیگر راجع با استخدام دوازده نفر مستخدمین بلژیکی برای گمرک این یکی هم به کمیسیون بودجه و قوانین مالی فرستاده می شود.

دوسه فقره لایحه دیگر راجع بتقاضای شهریه از ده الی بیست تومان اینها هم به کمیسیون بودجه ارسال می شود.

یک فقره دیگر راجع بتفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی و دیگری راجع بدعاوی مردم نسبت بخالصجات دولتی آنکه راجع به تفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی است گمان می کنم باید مراجعه شود به کمیسیون عدلیه چون راجع بمطبوعات است اگر آقایان مایل هستند قرائت و بعد بکمیسیون مراجعه شود.

(بعضی اظهار نمودند قرائت شود)

آقای سهام السلطان لایحه راجع به تفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی را بشرح آتی قرائت نمودند:

مجلس مقدس شورای ملی  
شیدالله ارکانه

اصل ۷۹ متمم قانون اساسی حاکی است که در موارد تصصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود

اگر چه با توجه بعلمت حضور هیئت منصفه در محکمه اصل مزبور روشن و محتاج به تفسیر نیست زیرا فقط در مواردی که جرم از نقطه نظر نظم و حقوق عمومی دارای حیثیت عمومی بوده و قطع نظر از مدعی خصوصی مدعی العموم عهده دار اقامه دعوی و تعقیب می باشد.

ممکن است دولت راجع به حکومت مجرمین و عدم محکومیت و یا شدت وضع مجازات آنها دارای نظری باشد و از این حیث ضمانتهای بیشتری برای استقلال رأی و بی طرفی محکمه لازم آید ولی در جرایمی که بیشتر دارای حیثیت خصوصی بوده و تعقیب آنها از طرف مدعی العموم مشروط با اقامه دعوی از طرف مدعی خصوصی است احتمال اعمال نفوذ و قوه اجرائیه در قره قضائیه مستبعد است.

پس در موارد اولی یعنی در موارد سیاسی است که با حضور منصفین از هر نوع اعمال نفوذ فرضی در محاکمه باید جلوگیری بعمل آید.

با احراز این اصل که در زمینه تصصیرات سیاسی کاملاً مورد پیدا می نماید آن قسمت از اصل ۷۹ که راجع بمطبوعات است قدری بنظر من هم آمده و عبارت محتاج به تفسیر است.

آیا مقصود مقنن این است که در مورد محاکمه کلبه تصصیرات مطبوعات باید

ایراد شاهزاده محمد هاشم میرزا هم اصلاح منصفین فقط در موارد تصصیرات سیاسی مطبوعات یعنی تصصیراتی که دارای حیثیت عمومی است لازم می باشد؟

اگر شق اول را تصور نمایم عملاً دچار نتیجه های غیر منطقی خواهیم شد مثلاً اگر شخصی هتک شرف کسی را شفاهاً یا کتباً نموده و یا کسی را مورد تهمت قرار داده باشد مدعی خصوصی می تواند آن شخص را در محاکم عادی بدون حضور هیئت منصفه تعقیب نماید.

ولی اگر همان هتک شرف یا تهمت در یک روزنامه طبع و منتشر شده باشد موافق این نظر محاکمه آن منوط بحضور هیئت منصفین می شود و حال آنکه هیچ دلیل منطقی ندارد.

مسلماً مقنن این نظر را نداشته و مقصود از اصل ۷۹ قانون اساسی که حضور هیئت منصفین در محاکم عدلیه قید کرده راجع بتحصیرات سیاسی مطبوعات بوده است زیرا که این تصصیرات بیشتر دارای حیثیت عمومی است.

نظر باین که وزارت عدلیه تقدیم لایحه قانونی راجع بمحاکم با حضور هیئت منصفین در نظر دارد قبلاً تفسیر اصل ۷۹ را لازم شمرده و معتقد است که باید اصل مزبور بدین طریق تفسیر شود:

در موارد تصصیرات سیاسی که مطابق قانون معین میشود و تصصیرات مطبوعات که مخالف نظم و حقوق عمومی و اصول مستقره مطابق قانون اساسی بوده و بدین واسطه دارای حیثیت عمومی است هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

**رئیس الوزراء** - امضاء حسن مشیر الدوله بمجلس مهر ریاست وزراء امضاء عبدالعزیز سردار معظم مجلس مهر وزارت عدلیه اعظم.

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله مقصود چه چیز است؟

**حاج شیخ اسدالله** - بنده عقیده ام این است که تفسیر اصل قانون اساسی را نمی شود بکمیسیون مراجعه کرد باید در خود مجلس مطرح گردیده و قضیه حل بشود و اگر پیشنهادی در اطراف هیئت منصفه از طرف دولت رسیده است باید بکمیسیون مراجعه شود و الا مسئله تفسیر باید در خود مجلس مطرح شود و بکمیسیون ربطی ندارد و نباید مراجعه شود.

**رئیس** - بنده عقیده بنده قبل از آنکه هر لایحه در مجلس شورای ملی مطرح شود مقتضی است که برود بیک کمیسیون بعد از آن در مجلس مطرح شود.

(گفته شد صحیح است)

**رئیس** - آقای کازرونی

(اجازه)

هیئت منصفین حاضر باشند یا حضور **میرزا علی کازرونی** - نظر اینک تفسیر قانون اساسی منحصر آحق شورای ملی است گمان می کنم فرستادن کمیسیون عدلیه مناسب نباشد و باید لازم بدانند که قبلاً هم بیک کمیسیون برود باید بیک کمیسیون خاصی مراجعه شود

**رئیس** - اینکه عرض شد بکمیسیون برود مقصود این نیست که مثل سایر لوایح در این جا برود و بشکل قانون موقتی درآید و بمجلس بیاید غرض این بوده است که در یک کمیسیونی در اطراف آن مطالعه بشود و راپورتش بمجلس بیاید و حالاً اگر مجلس با کمیسیون عدلیه موافق نیست ممکن است یک کمیسیون خاصی معین کنند و به اینجا مراجعه شود آقای سید یعقوب

(اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده مخالفم که بکمیسیون خاصی برود زیرا این مسئله در واقع راجع به عدلیه است و عقیده بنده این است که باید بکمیسیون عدلیه مراجعه شود و از کمیسیون عدلیه به مجلس راپورت بدهند.

**رئیس** - پس رأی می گیریم که بکدام کمیسیون برود **حاج شیخ اسدالله** - اول باید رأی بگیرید که بکمیسیون برود یا نه؟

**رئیس** - رأی می گیریم که این لایحه بکمیسیون برود یا نه؟ آقایان بیکه موافقت به یک کمیسیونی برود قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - اکثریت است معلوم می شود که باید بکمیسیونی برود حالاً رأی می گیریم که بکدام کمیسیون برود اول رأی می گیریم که بکمیسیون عدلیه مراجعه شود یا نه؟ آقایان بیکه موافقت بکمیسیون عدلیه برود قیام فرمائید

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد که بکمیسیون عدلیه بروی و هشت نفر از هفتاد و سه نفر رأی داده اند. یک فقره لایحه دیگر رسیده است راجع بتأمین تکلیف دو بیست و سی چهار تومان تخفیف مالیات قریه نموشن یزد اینهم باید بکمیسیون بودجه رجوع شود. آقای کازرونی از آقای وزیر مالیه راجع بمعاسبه آصف الملک سؤالی داشتند.

**آقا میرزا علی کازرونی** - میرزا قاسم خان شیرازی ملقب به آصف الملک که چند سال قبل بامور مالیه اصفهان بوده چنانچه مشهور است و شاید آقایان که بامور مالیه مر بوطنه مسجون باشند که در اطراف ایشان بعضی حرفها زده شد گفتند که سیمه هزار تومان از مالیه اصفهان اختلاس نموده تا اینکه بالاخره حالت

مرکز شد و بر حسب اطلاعی که بنده از اشخاصی خیلی موثق و مربوط تحصیل کرده‌ام بموجب اعترافی که خودش کرده است مبلغ پنجاه هزار تومان مدیون است بنده خیلی متعجب هستم و نمی‌دانم علت چه چیز است که این اشخاصی که از طرف دولت ماموریت پیدا می‌کنند هر قدر هم اختلاس کنند باسرت نمایند معذرت تقییب نمی‌شوند حالا خواستم از آقای وزیر سؤال کنم که آیا در این موضوع اطلاعی دارند یا نه؟ و آیا اینطور که بنده شنیده‌ام و اطلاع حاصل کرده‌ام صحیح است یا نه و لازم می‌دانند که احضار و تعقیب کنند یا خیر؟

**وزیر مالیه** - راجع به حساب میرزا قاسم خان شیرازی در محاسبات وزارت مالیه مشغول رسیدگی هستند و بعد از رسیدگی بدیهی است که دولت در مجازات او اقدام خواهد کرد و در این مدت هم مکرر اقدام و شروع بر رسیدگی شده بود ولی بواسطه بعضی مداخلات موقوف گردید و معطل مانده بود تا بعد از آنکه بنده متصدی مالیه شدم تا کید کرده‌ام که این قضیه را تعقیب نموده و رسیدگی کنند حالا هم مشغول رسیدگی هستند البته بعد از رسیدگی نتیجه اطلاع داده خواهد شد

**آقای میرزا علی کازرونی** - بنده رجا متدم که در این قبیل موارد اشخاصیکه مظنون هستند یا حقیقه مقصر هستند تعقیب و مجازات شوند که بعد از این مالیه مملکت تقریبت نمود و مردم از در خیانت در می‌آیند

**رئیس** - آقای حاج متیل السلطنه از آقای وزیر مالیه راجع به مالیاتهاییکه امنای مالیه برخلاف مقررات قانونی از رعایا می‌گیرند سؤال دارند

**حاج مقبل السلطنه** - اگرچه از موقعیکه بنده این سؤال را کرده بودم تا بحال مدتی گذشته و مذاکراتی هم در این باب بود که گمان می‌کنم دیگر جای سؤال بنده نباشد ولی باز تا کید عرض می‌کنم که این مالیاتهای غیرقانونی که مأمورین و امنای مالیه در ولایات از مردم می‌گیرند آیا بامر وزارت مالیه است یا خودسرانه می‌گیرند؟

**وزیر مالیه** - خوب است موازانش را معین بفرمایند که از چه قبیل است بعلاوه وزارت مالیه هیچ حکمی برای دریافت مالیات غیرقانونی نداده است

**حاج مقبل السلطنه** - مالیات موافق و سرشماری و خانوازی و مالیاتهاییکه با ملاک جدیدالنسق می‌بندند از این قبیل مالیاتهاییکه می‌گیرند و از شکایات ترشیز و گونا بادهم که خاطر آنان مستحضر است و تلگرافاتی را هم که مخابره شده البته ملاحظه فرمایند

**رئیس** - شکایاتی که رسیده بود به وزارت مالیه مراجعه شده است ولی چون جدیداً مراجعه شده شاید وقت پیدا نکرده‌اند که بدقت ملاحظه بفرمایند

**وزیر مالیه** - در موضوع مالیات های موافق که فرمودند مطابق اطلاعاتی که بنده از خراسان دارم مالیاتهای جدیدی گرفته نشده و همان جزو جمعهای سابق بود ولی در بعضی جاها چون هنوز وصول و اجرا نشده بود حالا مشغول گرفتن و اجرا کردن شده‌اند و ابدأ مالیات تازه نیست و نیز از طرف وزارت مالیه پیشکار مالیه خراسان تلگراف شد که اگر مالیاتی در جزو جمع نیست اخذ نکنند

**رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا هم گویا این سؤال را داشتند

**محمد هاشم میرزا** - بلی ولی بنده منتظر نتیجه هستم وقتی جواب از خراسان رسید آنوقت اگر محتاج شد سؤال را تعقیب می‌کنم

**رئیس** - لایحه قانونی راجع به طوافین مطرح است آقای حاج شیخ اسدالله موافق هستید؟

**حاج شیخ اسدالله** - بلی  
**رئیس** - آقای حائری زاده (اجازه)

**حائری زاده** - در جلسه سابق آقای وزیر مالیه فرمودند که مالیات طوافین با حق الساء و حق الارض که موضوع است بنده هم میدانم که موضوع است ولی در لایحه که از طرف دولت پیشنهاد شده است هر که موضوع پیش بینی شده کمیسیون مالیات طواحين را مسکوت عنه گذاشته و فقط راجع به حق الساء و حق الارض اظهار عقیده کرده در ماده اول پیشنهادی دولت مینویسد از عایدات طواحينی که در اراضی اربابی و مجاری آب خالصه بنا شده است يك عشر بابت حق الساء و يك عشر هم بابت مالیات معموله باید دریافت شود) و در ماده اول راپورت کمیسیون نوشته شده (از عایدات خالص طواحينی که در اراضی اربابی واقع شده و با آب خالصه سكار میکنند يك عشر بابت حق الساء دریافت میشود) و راجع به مالیات معمولی هیچ اظهار عقیده نکرده است در صورتیکه يك مالیاتهای بی ترتیبی از مالکین طواحين گرفته میشود مثل بعضی از طواحين که چون مجاری آب را از طرف آنها تغییر داده‌اند و با اثر افتاده است مطابق جزء جمع قدیم از آنها مالیات گرفته می‌شود و لازم بود که کمیسیون در این باب نظریه اتخاذ کند و این مجلس باید وسائل رفع این ظلم و تعدیه را فراهم کند بدبختانه در این لایحه که دولت پیشنهاد کرده و به کمیسیون مراجعه شده کمیسیون مسئله مالیات را مسکوت عنه گذاشته است دیگر اینکه این مذاکره شد که دولت از بابت

حق الساء و حق الارض اجاره می‌گیرد و بنده عرض میکنم دولت بهره‌نویان پولی که بگیرد از قبیل مال الاجاره باغات دولتی یا مال الاجاره دیگر هر پولی وقتی که وارد خزانه دولت شد مالیات است و فرق نمی‌کند چه ما اسمش را مالیات بگذاریم چه مال الاجاره ولی يك مطلب است که باید عرض کنم حالا که کمیسیون راجع بطواحين خالصجات اظهار عقیده کرده بنده باین مناسبت عرض میکنم که اصلاً نمیدانم مسئول خالصجات کیست؟ چندی قبل هم راجع بتجدید خراسان بنده سؤالی از آقای وزیر مالیه کردم و هنوز در آن موضوع هم جوابی نداده اند بعد حس کردم وزارت جنگ دخالت در مالیات غیر مستقیم و خالصجات میکند در صورتیکه وزارت جنگ دخالت در خالصجات میکند این لایحه را وزارت مالیه چرا پیشنهاد نموده است؟

بنده نمی‌فهمم وزارت جنگ که حق دخالت در مالیات ندارد امور مالیه با وزارت مالیه است (بعضی گفتند صحیح است) و یکی دیگر از نواقص این راپورت کمیسیون این است که نوشته از عایدات خالص طاحونه و این عایدات اعم است از عایدی که بمالك میرسد یا عایدی که به کارگر و مزدور طاحونه قسمت می‌شود پس این مطلب هم باید در این لایحه تصریح شود که از عایدات خالص که مالك طاحونه میبرد يك عشر بابت حسن الماء و يك عشر بابت حق الارض و غیره باید بپردازد و مطلق نوشتن عایدات ممکن است سبب شود که بعضی مأمورین احتیاط کار از کلیه عایدات طاحونه عشریه مطالبه کنند اعم از سهم مالك یا سهم مزدور پس خوب است این جمله را تصریح کنند که (از عایدات خالص مالك طاحونه) و از يك جهت دیگر هم این لایحه نقص دارد که مقدار مالکیت دولت را معین نکرده است یعنی باید تصریح کنند که تمام آب یا زمین راجع بدولت باشد عشر گرفته میشود زیرا ممکن است يك سهم از هزار سهم قناتی را دولت مالك باشد.

البته در اینصورت نباید دولت عشر بگیرد و در این قانون چون این مطلب را مسکوت عنه گذاشته اند ممکن است مأمورین و مباشرین مالیه از طواحين که در مجرای این قبیل فنوات واقع شده‌اند از بابت حق الساء عشر دریافت کنند پس باید اینجمله هم تصریح شده یعنی يك تبصره بعد از ماده سوم لازم است نوشته شده که (این حق - الارض و حق الساء در صورتی از مالک طاحونه مطالبه می‌شود که تمام آب یا زمین طاحونه متعلق بدولت باشد) و آنوقت مالکین و رعایا بزحمت نمی‌افتند والا همانطور که عرض کردیم ممکن است قناتی باشد که يك سهم از هزار سهم مال دولت باشد و بموجب

این قانونی که حالا داریم مذاکره میکنیم ممکن است پیشکاران مالیه که احتیاج کار هستند برعایا و مالکین تحمیل کنند و از آنها مطالبه عشریه بنمایند بهرحال این اصلاحاتی را که عرض کردم این لایحه لازم دارد

**رئیس** - باید عرض کنیم که در این ماده هم میتوانند در خود ماده حرف بزنند و هم در اساس لایحه مذاکره کنید ولی اگر نواقص می‌بینید که بطور ماده العاقیه باید اصلاح شود تا رفع آن نواقص گردد در آن موضوع اینجا نمی‌شود حرف زد فعلاً در خود ماده اگر اعتراض دارید میتواند مذاکره کنید

ولی رفع نواقص که راجع بمواد العاقیه میشود در این ماده نمیتوان مذاکره کرد.

**حائری زاده** - بنده راجع باصل ماده عرض داشتم که تا مسئول وصول مالیات خالصجات معلوم نباشد پذیرفتن این لایحه محل اشکال است.

ما باید بهنیم که مسئول وصول مالیات خالصه کی است؟ دیگر اصلاحاتی هم که این ماده لازم داشت عرض کردم

**حاج شیخ اسدالله** - در جلسه قبل عرض کردم این مذاکراتی که می‌شود غالبش مربوط باین لایحه نیست بعد حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند حق این اظهار راندا دارید بلی در صورتیکه مذاکرات خارج از موضوع باشد جلو گیری از آن حق رئیس است

ولیکن این مطلب مانع از اظهار عقیده هیچ نماینده نیست که در موقع خودش اظهار کند که فلان مذاکره بعقیده من مربوط باین قیضه هست یا نیست و اظهار مخالفت یا موافقت بکنند چون این مطلب در جلسه قبل صحبت شده بود خواستم تذکر بدهم که بنده برخلاف وظیفه خود عمل نکردم و اگر اعتراض حضرت والا بر بنده وارد باشد عین آن اعتراض هم بر خود ایشان وارد است یعنی اگر این مطلبی هست که بنده عرض کردم خارج از وظیفه بود باز وظیفه آقای رئیس بود که جلو گیری از بنده بفرمایند و حضرت والا حق ایراد نداشتند در حال این يك مطلبی که اشاره بآن را لازم دانستم و باز هم در تعقیب هرايش سابق خودم عرض می‌کنم متأسفانه خیلی از این مذاکرات مربوط باین لایحه نیست و خیلی متأسفم از اینکه يك پیشنهادها و يك طرحهایی در خصوص وضع هر قانونی بنا تبدیل هر مالیاتی لایحه آن به مجلس می‌آید بقدری در اطراف او صحبت می‌شود که چندین جلسه وقت مجلس شورای ملی را بخود مشغول می‌کند و پس از تمام آن مذاکرات (که شاید بعضی از آن صلاح باشد یا نباشد و این بسته بنظر هر يك از



آقایان نمایندگان است) بالاخره يك ترتيبی از مجلس می گذرد . اگر این رويه متعین شود بنده محترم که مطالب اساسی که بعدها راجع به بودجه ها و سایر مطالب مهمه که بمجلس می آید چه حالی پیدا میکند ؟

بعد از چند سال دوره فترت که باید مجلس شورای ملی بسرعت قدمهای سریعی برای اصلاحات بردارد آنوقت با این طرز صحبتها خیلی مشکل است موقوف شود بالاخره حالا مذاکراتی شده است و بنده هم برحسب سابقه که دارم با اینکه خارج از موضوع می دانم مجبورم نظرات خودم را در اطراف این مسئله عرض کنم چون راجع باین موضوع صحبت شده و سابقه پیدا کرده است عرض میکنم اگرچه دوسه روز گذشته است و کاملا فرمایشات آقایان در نظرم نیست و اینهم يك عادت بدی است که بنده مطالب را یادداشت نمی کنم و از نظرم معروض می شود ولی حالا آن قسمتهایی که در نظرم هست عرض می کنم حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن مذاکره کلی این لایحه يك اعتراضی فرمودند که در پیشنهاد دولت عنوان اصلاح مالیاتی است و در ضمن مذاکرات درموازی که نوشته شده است گفته می شود که تعدیل حق الارض و حق السماء است بنده عرض می کنم اگر خودشان این دو پیشنهاد را مقابل هم بگذارند و ملاحظه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که ابتدا همچو ایرادی وارد نیست زیرا دولت بمناسبت عنوان مالیاتی که در پیشنهاد خودش نوشته است نظر تعدیل مالیاتی هم داشته است و همین جهت يك سهم حق السماء قرار داده و يك سهم حق الارض و يك سهم هم بعنوان مالیات قرارداده و نوشته مالیات های طواحين چون مختلف است و وابستگی در تحت يك اصل معین قرار بدهیم و تعدیل کنیم و به ترتیبی که پیشنهاد نموده اند طواحينی که در اراضی خالصه واقع و با آب خالصه گردش میکنند سه عشر باید بدهد يك عشر بابت حق السماء و يك عشر بابت حق الارض و يك عشر بابت مالیات معموله و این پیشنهاد دولت که به کمیسیون رفته است گذشته و فقط در موضوع حق السماء و حق الارض داخل شده است (بنده که اهل کمیسیون نیستم و نظریه کمیسیون را هم نمیدانم) ولی این لوابیح را که در تحت نظر می آورم اینطور بنظر میرسد که کمیسیون (همانطور که حضرت والا فرمودند) در نظر گرفته که تا صورت جمع و خرج مخصوصاً جمع به مجلس نباید مجلس نباید یکدینار مالیات تصویب کند و بالاخره مسئله مالیات را مجزا کرد و راجع به تعدیل حق الارض و حق السماء داخل شود و يك موادی پیشنهاد کرده است و در برابر آن هم که از کمیسیون

قوانین مالیه به مجلس آمده عنوان تعدیل مالیاتی را برداشته و فقط در تعدیل حق السماء و حق الارض وارد شده در تحت يك مواد معین دیگر اینکه در ضمن مذاکرات گفته شد که این مسئله تعدیل بر فقر و ضعف است من هم منکر آن که مالیاتی وضع شود که تعدیل بر فقر و ضعف باشد بالاخص تا وقتی که بودجه جمع به مجلس شورای ملی نیامده است اما بیچاره فقرا بیچاره ضعیفا بنده هم تصدیق دارم که باید وسائلی آسایش و رفاهیت فقرا در نظر گرفت اما انوسوس آیا باین ترتیب و این بیانات و بار و قبول این پیشنهاد اصلاح حال فقرا میشود بنده تصور نمیکنم . بلی در ضمن مذاکراتی که می شود يك قسمت تنقید میشود از انوسوس سوارها از اعیان از اشراف و در این زمینه يك صحبتی با حرادتی می شود ولی بنده نمیدانم مقصود از این فرمایشات چه چیز است ؟ آیا مقصود این است که مملکت رو به ترقی نرود یعنی انوسوس در این مملکت موقوف شود ؟ بنده که تصور می کنم حضرت والا این نظر را داشته باشند و نمیتوانم قبول کنم که این نظریه را دارند البته امروز دنیا رويه ترقی و تعالی می رود میتوان گفت يك صنعت با يك وسائلی کاز برای مسافرت و حمل و نقل ایجاد شده و اسباب راحتی مردم است و در تمام دنیا دارد رويه ترقی می رود مملکت و ملت ایران از آن محروم باشد خیر بلکه ما باید سعی کنیم و خودمان را بمل متدینه رسانیم و ترقی کنیم بنده که آرزو مند و امیدوارم که تمام افراد این مملکت با این وسائیل سهل حرکت کنند نه بعضی دود بعضی بایداره های آهنی در تمام سرتاسر مملکت کشیده شده و انوسوس زیاد در این مملکت بکار بیفتد حتی تمام فقرا هم به انوسوس سوار شوند .

شود ( و حال آنکه این لایحه مربوط بود وضع مالیات نیست و تعدیل حق الارض است) تعدیل بر فقر است ظاهراً تصور فرموده اند که طواحين مال فقیر و دهقان است .

نه اینطور نیست در هر جا که ملاحظه بفرمایید باز خود این طواحين یک نوع ترقی است و خود حضرت والا هم معتقدند که باید از ترقی و تمدن و سرمایه داران مالیات گرفته شود .

( اگر چه عرض کردم این مالیات نیست و تعدیل است) ولی باین مرام و عقیده که ایشان دارند باید معتقد باشند که این حق گرفته شود زیرا البته صاحبان طواحين بيك مبلغی طواحين را به کار گر اجازه می دهند و در هر ولایتی هم يك ميزانی دارد که از زارع بول آورد کردن کنند را می گیرند در این صورت چه ضرر دارد که مالك طاحونه از منافع خالص آنجا يك مبلغی هم بعنوان مالیات بدولت بدهد و با حق السماء و حق الارض بدهد البته اگر مال زارع بود بنده می گفتم که این حق السماء و حق الارض را هم نهدند و آزادانه بروند و بکنند خود را آزاد نموده و با کمال راحتی زندگانی کنند اما انوسوس که بیچاره رعیت فقیر و دهقان از این بهره محروم است و سرمایه داری که مالك طاحونه است استفاده میکند مثلاً میفرمودند که اگر مالیاتی بر مرغ وضع شود من معتقدم و همراهی میکنم جهت چیست که حضرت والا این مطلب را می فرمایند جهت این است که حضرت والا از محیط زندگانی دهقانی دورند و زندگانی دهقانی نکرده اند و سالها عمر خود را با دهقانی صرف ننموده اند آنها بیکیه با خاک بازی کرده اند و بدست خود زمین را شخم نموده اند و با گاو و گوسفند بسر برده اند ( چون يك قسمت از عمر من هم همینطور بود) بهتر می دانند که مرغ که يك تار معاش است از برای آن دهقانان بیچاره است که بیچاره دهقان بز با يك میش یاد و سه تا مرغ دارد و بیچاره از بر تو همانها تمییش و زندگانی می کند اگر اطفالش مریض شوند از تنم جوچه آن مرغها باید دوا و غذا برای هر طفلش تهیه کنند من خیلی متعجب هستم که حضرت والا می فرمایند از مرغ باید مالیات گرفته شود و خیلی تعجب میکنم که برخلاف مرام خودشان حرف میزنند

اودر این است که بر مرغ مالیات نه بلکه بر عکس اگر بشود باید عوارضات دیگر گرام از دوش آنها فرمودند که من آرزو مند و درم را که هر روزی بتوانم املاک خالصه را بانك فلاحتی بر عایا تقسیم بکنم . بنده عرض میکنم آقای من اول باید قدم بستم اسباب راحتی و ثروت برای رعیت فراهم کرد پس ملك بر رعیت داد اگر امروز بغواهی این مرام را تعقیب کنید بنده عرض می کنم نظر از اینست که برخلاف اصول تمام عالم وادیان دنیا است و برخلاف مسالک تمام عالم است که اصول مالکیت برداشته است . حالا . . . آقای حائری زاده فرمایند دارند ؟

**حائری زاده** - خیر عرض نداشتم .

**سلیمان میرزا** - این مسئله عرض است ؟

**حاج شیخ اسدالله** - از او نمی گذرم و صرف نظر می کنم . و او عرضی شوم در مرحله عقلی اگر نباشد امروز املاک را دادیم بدهقان آنوقت آبادهقان میتوانند از عهده اداره کردن آنها بر آید ؟ خیر زود است و هنوز هم دیر نشده است خوب است آقایان نظری بهمسایه شمالی ما بکنند که با آن بزرگی و عظمت بواسطه همین سوء تدبیری که بخرج دادند همین املاک است که دارد میلیونها از اهالیش تلفم شود و همینطور نتوانستند اند که .

**رئیس** - يك قدری در این موضوع خارج می شوید آقای سلیمان میرزا نکته که املاک خالصه را بلاعوض و بدون قیمت ب مردم بدهند هیچکس همچو حرفی نزود و هیچکس هم نمی تواند در این مجلس اینطور عقیده داشته باشد

( گفته شد صحیح است )

**شیخ الاسلام اصفهانی** - املاک خالصه را گفته اند نه املاک اربابی را .

**حاج شیخ اسدالله** - اما فرمودند املاک خالصه را بوسیله بانك فلاحتی بر عایا بفروشد حال فرض می کنیم فروشنده ( ولی دولت هم آزاد است و می تواند بدهد بول ب آنها و گذار کند ) آنوقت آیا اصلاح رعیت است ؟ می تواند از عهده اداره کردن آن بر آید ؟

بعقیده بنده فعلاً نمی تواند اول باید مقدمات و وسائل کار برای آنها فراهم شود باید اول امنیت و آسایش پیدا بکنند پس از آنکه يك وسائلی برای اداره کردن آنها فراهم شد آنوقت اگر همچو کاری بکنند خیلی خوب است و املاک او هم آسایش می شود و بالاخره در این زمینه بنده زیادتر از این می خواهم عرض کنم

بنکم ولی حالا که آقایان زیاد مذاکره کردند و وارد شدن در این مرحله را صلاح نمی دانند لهذا بر می گردیم باصل موضوع و مطالبی را که در نظر داشتیم چون حس می کنم بر خلاف نظریات آقایانست عرض نمی کنم .

این جا يك لایحه تبدیلی نسبت به حق السماء و حق الارض داده شده است که طواحينی که در اراضی خالصه یا پدرمجرای قنوات خالصه ساخته شده و یا بدمسازند دولت با آنها چه نوع معامله بکند ؟ آیا حق السماء بگیرد یا حق الارض بگیرد ؟ یا نگیرد ؟ و اگر تصدیق کردیم که بگیرد چه ترتیب بگیرد ؟

یعنی از يك محل دوش و از يك محل دیگر سه عشر اینكه خیلی بی ترتیب است پس باید در تحت يك اصول معینی باشد و حالا در این زمینه این لایحه را نوشته و فرستاده اند و بکمیسیون رفته و مرتب شده و راپورت داده اند که اگر هر آینه کسی در زمین خالصه طاحونه بیاکند و از آب خودش آن آسیا گردش کند يك عشر بابت حق الارض بدهد و اگر از آب دولت می گردد يك عشر بابت حق الارض و يك عشر بابت حق السماء بدهد چون در این مدت بیشکاران مالیه بطور بی نظمی و در تحت يك فشارهایی از مالکین پول می گرفتند و جزو جمع صحیحی در دست نداشتند و بشقاوت و سختی می گرفتند و اسباب مزاحمت مالکین می شدند اینست که دولت در نظر گرفته و کمیسیون هم تصدیق کرده که مرتب شود که يك عشر از بابت حق الارض و يك عشر بابت حق السماء بدهند و این هم خیلی ساده است و يك تعمیل فوق العاده ر کسی نیست بنده خود هم اگر صاحب چنین آسیایی بودم با کمال میل يك عشر را می دادم ولی انوسوس که ندارم و آنهایی که دارند البته با کمال میل يك هشتر را می دهند چون اسباب آسایش آنها است و باید خیلی راضی و خوشوقت باشند و يك تعمیل فوق العاده نیست و باید مالیات بدهند و آن آسیاب خودش يك سرمایه است و سرمایه دار هم مالك آنست نه زارع و دهقان بدبخت که میگوئیم تعدیل می شود .

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب مخالف اند ؟

**آقا سید یعقوب** - بلی بنده مخالفم و نمی خواهم وقت مجلس را در خارج از موضوع صرف کنم .

بنده نظرم این است که در این ماده اول می نویسد ( از عایدات خالص طواحينی که در اراضی اربابی واقع شده و با آب خالصه کار می کنند يك عشر بابت حق السماء دریافت می شود) اولاً رفع اشتباه بنده شد زیرا آنرا گفته اند که حق است مالکین مالیات

طواحينی که جزو مستقالات است با آن حق که در آسیا های واقعه در املاک خالصه برای دولت است .

اینرا بنده ملتفت شدم لکن بنده می خواهم عرض کنم که حق السماء را يك عشر و حق الارض را يك عشر قرار دادن زیاده می دانم و صد پنج را نسبت بحق الماء و حق الارض هم صد پنج و حق مستقالات هم صد پنج کافی می دانم و هر کدام يك عشر زیاد است .

باین معنی که اگر يك آسیائی در ملك خالصه است و با آب خالصه هم گردش میکند باید صد یا نوزده مالیات بدهد و اگر حق آب تعلق نگیرد صد ده بدهد و اگر آب و زمین هیچیک مال دولت نباشد صد پنج بدهد .

دیگر بنده در آن چیزهایی که آقای حائری زاده بیان کردند که مجری این قانون کیست وارد نمی شوم

يك قانونی از وزارت مالیه آمده است و ما نظر داریم که در او مذاکره کنیم حالا مجری او کیست ؟

مجلس که مداخله در قوه مجریه نمی کند ما وزارت مالیه را مأمور اجرای مالیات میدانیم امم از مالیات مستقیم غیر مستقیم و هر وقت هم سؤالی داریم ایشان را مورد سؤال قرار بدهیم بالاخره نسبت بطواحين عقیده بنده همان صد و پنج است یعنی حق الماء صد پنج حق الارض صد پنج حق مستقالات هم صد پنج و این را هم محض اطلاع و رفع شبهه آقای حائری زاده عرض میکنم که این يك شهری که برای حق الماء قرار داده اند در صورتی است که آن آسیا کاملاً با آب دولت گردش بکند و مقصود این نیست که هزار يك از آن قنات را دولت مالك باشد و اگر دولت سهمی در آن آب داشته باشد حسب السهام مطابق سهمی که سایرین میبرند دولت هم همانقدر خواهد برد و نه اینکه يك عشر بعقیده کمیسیون و صد پنج بعقیده بنده را دولت دریافت کند مطابق هر چه که سایر مالکین آب می برند دولت هم مطابق حق سهم خود خواهد برد نه بیشتر

**رئیس** - آقای گروسی مخالفند ؟

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - بلی .

**رئیس** - آقای مستشار السلطنه ؟

و نمی خواهم وقت مجلس را در خارج از موضوع صرف کنم .

بنده نظرم این است که در این ماده اول می نویسد ( از عایدات خالص طواحينی که در اراضی اربابی واقع شده و با آب خالصه کار می کنند يك عشر بابت حق السماء دریافت می شود) اولاً رفع اشتباه بنده شد زیرا آنرا گفته اند که حق است مالکین مالیات

هتاوین مختلفه از مردم می گیرند هم تکلیف مأمورین دولت وهم تکلیف مودیان مالیاتی در پرداخت عوارض دیوانی معلوم باشد لکن اگر بنده مخالفتی داشته باشم از این نقطه نظر است که دولت در انشاء عبارت آن مخصوصاً اولیاء وزارت مالیه يك سوء تعبیر انشائی بخرج داده و اسمش را مالیات گذاشته اند و البته آقایان رفقای بنده در مرام سیاسی خودشان قسمت دهم را در نظر دارند و اگر مقتضی باشد بنده هم متعرض قسمت دهم میشوم

( قسمت دهم - اجتناب از برقرار کردن مالیاتها و تحمیلات و عوارض جدیده برای احتیاجات مملکتی مادام که تقریب کاری فعلی مرتفع نشده است ) و گویا نظر سایر آقایان هم همین است و فقط بنده لفظ مالیات را در این لایحه زیاد می دانم چون غرض دولت ایجاد يك مالیاتی نیست بلکه مقصود این است که همان عوارضی معموله که طاحونه های قدیمه می دادند بدهند منتهی با يك اصول و ترتیب بنده لفظ مالیات را در این لایحه زیاد می دانم چون غرض دولت ایجاد يك مالیاتی نیست بلکه مقصود این است که همان عوارضی معموله که طاحونه های قدیمه می دادند بدهند منتهی با يك اصول و ترتیب بنده لفظ مالیات را در این لایحه زیاد می دانم چون غرض دولت ایجاد يك مالیاتی نیست بلکه مقصود این است که همان عوارضی معموله که طاحونه های قدیمه می دادند بدهند منتهی با يك اصول و ترتیب بنده لفظ مالیات را در این لایحه زیاد می دانم چون غرض دولت ایجاد يك مالیاتی نیست بلکه مقصود این است که همان عوارضی معموله که طاحونه های قدیمه می دادند بدهند منتهی با يك اصول و ترتیب بنده لفظ مالیات را در این لایحه زیاد می دانم چون غرض دولت ایجاد يك مالیاتی نیست بلکه مقصود این است که همان عوارضی معموله که طاحونه های قدیمه می دادند بدهند منتهی با يك اصول و ترتیب

**رئیس** - آقای سردار مخفم مخالفند ؟

**سردار مخفم** - بلی

**رئیس** - آقای زنجبانی ؟

**آقا شیخ ابراهیم زنجبانی** - بنده هم یکدرجه مخالفم .

**رئیس** - آقای سلطان العلماء مخالفند ؟

**سلطان العلماء** - بنده هم يك درجه مخالفم

**رئیس** - آقای قمی موافقند ؟

**آقا میرزا ابراهیم** - خیر بنده هم مخالفم .

**رئیس** - آقای دولت آبادی ؟

**حاج میرزا علی محمد** - بنده هم مخالفم .

**رئیس** - آقای مدرس ؟

**مدرس** - بنده موافقم

**رئیس** - بفرمائید

**مدرس** - مثالی است معروف میگویند يك مادری بچه داشت بچه اش گفت قربان چشمهای بادامی بروم بچه گفت نه جان من بادام می خواهم . حالا مطالب در حقیقت این قسم شده است در مجلس شورای ملی بيك مناسبات خیلی حقیقی يك مطالب قالی گفته میشود بعقیده من چون اول سال است انشاء الله باید در این مسئله يك ترتیبی داد که بزودی کارها بگذرد يك لایحه دولت پیشنهاد فرموده اند که مشتمل بر دو مطلب



بود یکی اینکه میخواستند مالیاتی بر تمام طاحونهای مملکت وضع کنند یکی هم وضع مالیات بر طاحونهایی که در اراضی خاصه واقع شده یا می شود لایحه دولت مشتمل بر این دو مسئله بود کمیسیون به نظر پیوسته (بعقیده بنده نظری نبوده است آن قسمتی که متعلق به کلیه طاحونها بوده آنرا مسکوت عنه نگذاشته فقط آن طواحینی را که در املاک خاصه واقع است عنوان فرموده - خالصه بطوریکه آقایان فرمودند جزء بیت المال عمومی است یعنی مال عموم است خزانه دولت مال عموم است باید منافعش هم راجع به عموم بشود و اگر يك خالصه را دولت بخیال خودش بيك شخصی ببخشد نمیتواند بجهت اینکه مال عموم است باید بصرف عموم برسد لهذا اجازه میدهد و مال الاجاره میگیرد منافعش هم جزء مال عموم است (متأسفانه با آقای خودم در این کلمه شاید يك اندازه مخالف باشم) لذا اگر بيك شخصی اجازه بدهد که در فلان نقطه آسیا بسازد و مال الاجاره ندهد و البته حق نخواهد داشت مگر اینکه صلاح مملکت باشد اگر دولت حمام ساخت و به مردم گفت بیا بید مفت توی حمام بروید حق ندارد مگر اینکه صلاح عموم باشد و همین طور خانه و کاروانسرا بهر حال دولت مال عموم را نمیتواند اصلاً و منقعه بلاعوض به اشخاص بدهد باید همینکه يك کسی آمد و گفت من در ملک خالصه خانه بسازم بگویند بسم الله بسازید و مالیاتش را هم بدهید دکان هم بسازید آسیا هم همین حکم را دارد باید دولت اجازه بدهد ولی مالیاتش را هم بگیرد حالا نکته اینکه دولت این مطلب را پیشنهاد به مجلس کرده است چیست بفکر من دلیلش این است که عرض میکنم بقضای قانون اساسی نقل و انتقال باید تماماً بتصویب مجلس شورای ملی باشد یعنی اینکه اجازه میدهد به فلان شخصی که در املاک خالصه يك آسیا بسازد این است که تا آخر الزمان اجازه میدهد از این اصل يك انتفاع مال او باشد منتهی نقل و انتقال منفعت است نه عین لذا مناسب بوده است که به مجلس پیشنهاد کنند و مجلس هم آنچه صلاح میدانند رأی بدهد.

پس این مالیات نیست و اجرتی است در مقابل انتفاع از چه کسی گرفته بشود ؟ از مالک آسیا میگیرند نه از عمله این بود مسئله متعلق باین لایحه که من باین قسمتش موافقم (اما يك عشر نسبت به حق الارض یا حق السماه زیاد است یا نیست ؟ آنرا بعداً عرض خواهم کرد) حال مسئله با دام است در ضمن شور در این لایحه مطالبی مذاکره میشود که این مالیات بنسبیت ارزاق عمومی بر فقرا تعمیم بشود بنده عرض میکنم در مملکت ما تا امروز بر اوراق عمومی هیچ مالیات مستقیمی وضع نشده است چرا برای اینکه کسی تا بجا بر نکند و برنج مالیات نبسته است فقط بر چیزهایی که نفع دارد

از قبیل زمین یا گوسفند و غیره مالیات بسته شده است مالیات بستن بر اوراق عمومی نظیر مالیات گمرک است که بیشتر گفته میشود مالیات بی فلسفه است برای اینکه آنچه در گمرک مالیات گرفته میشود نسبت به ما به احتیاج عموم است پس ضررش به عموم می خورد اما اگر زمین باشد البته چون زمین دارای يك منفعتی است از این جهت مالیات بگیرند ضرر ندارد و مالیات بر اوراق عمومی نیست بلی قبول دارم که گمرک مالیاتی است بر ما به احتیاج عمومی و عقیده من و همه شماها بر این است که البته باید از ما به احتیاج عمومی مهالماکن هوارض را برداشت که اجناس برای مردم گران تمام نشود حالا متصل در این دوره مذاکره می شود که بر فقرا وضعاً تعمیم میشود بنده عرض میکنم اولاً بر فقیر هیچگونه مالیاتی نیست چون فقیر چیزی ندارد که بر او مالیات وضع شود ثانیاً من خیلی تعجب میکنم از این حرفها دوره های پیش این اسما توی پارلمان نبود این دوره پیدا شده است هی بر فقیر می برضیف آقایان مالیات بر چیزی است که نفع داشته باشد اگر من آن چیز را دارم از من مالیات می گیرم اگر ندارم هیچ چیز گرفته نمیشود و بر فقیر هم مالیات نیست بلی در سابق بیك چیزی بود که الان هم در بعضی جاهاست و آن مالیات سری است که بد است و هر جا هم هست مجلس شورای ملی باید آنرا بردارد چه بر سر غنی باشد و چه بر سر فقیر چون غالب اهالی مملکت فقیر هستند البته باید برداشته شود زیرا صدمه این مالیات بر فقرا بیشتر می خورد چه غنی باشد چه فقیر از آنهایی که براند و یکی هم مالیاتی است که الان می گویم و مسؤل مالیه خیلی باید اوقاتش تلخ شود و آن مالیات اصناف است و در این مملکت هر صنفی يك مالیاتی می دهد و این مالیات بهیچ فلسفه درست نیست باید این مالیاتها برداشته شود (گفته شد صحیح است) مثلاً كفش دو صنف مالیات صنفی دارد من نمی دانم مالیات صنفی یعنی چه اینکه بروی چرمش يك مالیات داده شده برای ریسانش هم مالیات داده شده و هم چنین برای چیزهای دیگرش آنوقت من که این چرم و ریسانش را بهم مربوط می کنم چرا باید يك مالیات بدهم و همچنین اصناف دیگر در این مملکت آنوقت که صباغی رواج داشت مالیات می داده معذک از یافته هم جدا گانه مالیات می گرفتند آنروز این کار غلط بود امروز هم غلط است اگر دولت بیکتدی بردارد برای رفع این مالیات اصناف که تعمیم بر اشخاص است بخصوص حالیه که حقیقتاً تعمیم بر ضعیف هم هست خیلی بجا و موقع خواهد بود اما مالیات بر گوسفند و شتر مالیات بر قوای خودش جلو گیری کند که قوی

صدمه اش به ضعیف نرسد اگر ما بیو کلین خود خدمت کنیم بنده میکنم که موکلین من تمام اهالی ایران است بلا استثنا و باید صلاح بینی برای تمام آنها بکنیم پس دولت باید قسمی کند که از برای تمام مردم فراهم کند خدا میداند اگر امنیت کاملاً در ایران برقرار شود قوه دولت زیاد شود آنکسانی که دارای ده گوسفند هستند در این مملکت نمیتوانند زندگانی کنند اما بر خلاف امروز که ما مورین دولت این همه فشار می آورند و همچنین بواسطه جاری نشدن عدالت که یانزده سال است مافظ اسم آنرا میبریم معنی ندارد متمول در عذاب است فقیر در عذاب است دیگر هر صنفی ندارم رئیس - آقای سردار مقفم سر دار مقفم - بنده اساساً باین لایحه با این ترتیبی که پیشنهاد شده است مغالتم لیکن بعضی اطلاعات دارم که در است عرض کنم و همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده هم در محیط قرائت می شود رعایا زیاد بوده و زندگانی کرده ام بنده سوم است حالیه در بعضی از قراء و دهات که طایفه است بیشتر از این مبلغ که پیشنهاد شده سوم است بیگانه در بعضی جاها دو عشر و سه عشر کرده ام میگیرند و بيك ترتیب صحیحی ندارند و اگر يك قاعده صحیحی برای اینکار داده شود البته بهتر است و بنده گمان میکنم که اگر خالصه مشروب می شود در هر صورت ارسال این لایحه بکلی رد شود و تصویب نشود شاید آن مقصودی را که شاهزاده سلطان میرزا دارند تأمین نشود و ما مورین مال روش سابقاً تعقیب کرده و بر ترتیب سابق مالیات بگیرند ولی عقیده بنده هم این است که بيك عشر برای حق الارض و بيك عشر برای حق السماه زیاد است نیم عشر برای حق الارض و نیم عشر برای حق السماه کافی است چون زمینی که طاحونها در آنجا درست می کنند زمین مرغوبی نیست و بر فرض اینکه زمین مرغوبی هم باشد دو بیست الی پانصد ذرع زمین آنقدر نامفید ندارد دو عشر و سه عشر گرفته شود این صورت اگر مجلس صلاح بداند نیم عشر از بابت حق السماه و نیم عشر از بابت حق الارض تصویب کند هم برای مالکین بصره و صلاح نزدیکتر است و همینطور است نظریات چند نفر از نمایندگان مجلس هستند و پیشنهادی هم در این خصوص تقدیم کرده ام رئیس - اگر مذاکرات را آقایان در این خصوص پیشنهادات قرائت شود کافی می دانند پیشنهادات قرائت شود (گفته شد کافی است) پیشنهاد آقای سلطان العلماء در این خصوص قرائت شد این بنده پیشنهادی تمام کرده ام اول لایحه پیشنهادیه دولت را میخوانم

آن طواحین می خواهند مالیات بگیرند ؟ و همچنین بيك قسمت از آبهای رود خانه است که اسم رود خانه است ولی با ملایک اربابی داده می شود و بيك مالیاتی هم به عنوان املاک اربابی گرفته می شود آیا این لایحه آبهای را هم که با ملایک اربابی می رود و مشروب می کنند شامل می شود یا خیر؟ و مطلب دیگر بنده راجع باده دوم است در ماده اول آقایان می فرمودند که این مالیات زیاد است و صد پنج کافی است ولی بنده اساساً معتقدم که اقلاً صد پنج برای خرج آسیا کم شود اگر این میزان رعایت شود آنوقت مطلبی نیست ولی اگر اینطور نباشد و بخواهند خرج را صد سی کم کنند بنده معتقدم نیستیم که بتوانند ملایکین آسیا صد پنج هم تأیید کنند اول باید به خارج را درست رعایت کند و بعد از آن صد پنج مطالبه شود مخیر - جواب قسمت اول فرمایش ایشان که راجع بود به آبهای قنرات عرض می کنم البته آنچه در اینجا منظور شده است متعلق به آبهایی است که در آن موقع املاک خالصه می تواند از آنها استفاده کند ولی آبهایی که هرگز می رود و بصرف آسیا ها میرسد البته دولت از آنها چیزی نخواهد گرفت و آیا راجع باب رودخانه که فرمودند عمومی است البته تصدیق می فرمایند که رود خانه های اطراف تقسیم می شود بین ملاکین و دولت هم مثل بيكی از ملاکین حق نهر دارد و البته از نهر دولت اگر آسیایی گردش کند حق خودش را می گیرد چنانکه سایر ملاکین هم که آب دارند هر وقت مصرفی برای زراعت نداشته باشند یا می فروشند یا بصرف آسیا می رسانند و دولت هم باندازه خود استفاده می کند اما راجع بقسمت سوم که فرمودند که صد سی مخارج خیلی کم است در آن قسمت هم هر وقت در ماده چهار مذاکره شود جواب ایشان را عرض خواهم نمود رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بلی آقا سید یعقوب - بنده با صد سی موافقم ولی عقیده ام در این ماده دوم آن چیزی است که در ماده اول عرض کردم که صد ده زیاد است و صد پنج باید گرفته شود هم نسبت به حق الارض و هم نسبت به حق السماه و هم نسبت به مالیات عمومی رئیس - آقای قمی هم مخالفند ؟ آقا میرزا ابراهیم قمی - بلی آقا سید یعقوب - بنده با صد سی موافقم ولی عقیده ام در این ماده دوم آن چیزی است که در ماده اول عرض کردم که صد ده زیاد است و صد پنج باید گرفته شود هم نسبت به حق الارض و هم نسبت به حق السماه و هم نسبت به مالیات عمومی رئیس - آقای قمی هم مخالفند ؟ آقا میرزا ابراهیم قمی - بلی آقا سید یعقوب - بنده با صد سی موافقم ولی عقیده ام در این ماده دوم آن چیزی است که در ماده اول عرض کردم که صد ده زیاد است و صد پنج باید گرفته شود هم نسبت به حق الارض و هم نسبت به حق السماه و هم نسبت به مالیات عمومی رئیس - آقای قمی هم مخالفند ؟ آقا میرزا ابراهیم قمی - بلی آقا سید یعقوب - بنده با صد سی موافقم ولی عقیده ام در این ماده دوم آن چیزی است که در ماده اول عرض کردم که صد ده زیاد است و صد پنج باید گرفته شود هم نسبت به حق الارض و هم نسبت به حق السماه و هم نسبت به مالیات عمومی

حکم این قسمتی را که از بابت حق الارض و حق السماه معین کرده اند خیلی مناسب نوشته شده و نهایت رعایت را از صاحبان طواحین کرده اند بجهت اینکه اگر بيك توجهی با ملایک اربابی بفرمایند خواهند دید که ارباب ملک از کسانی که در در آنجا آسیا می سازند اغلب نصف و بلکه ثلث از منافع را می گیرند و گاهی در ملکیت هم شریکتی نمایند بنابر این دو عشری که برای حق الارض و حق السماه معین کرده اند نهایت رعایت را از صاحبان طواحین نموده اند و بنده کمال موافقت را با تصویب این لایحه دارم رئیس - آقای قمی (اجازه) آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده اساساً حق الارض و حق السماه را مشروع می دانم بجهت این که دولت تا خالصه را نفروخته است باید مثل سایر مالکین شخصی حق بگیرد چنانکه سابقاً هم معمول بوده است و الان هم باغاتی که در بلوکات خالصه ایجاد می شود تمام آنها بعنوان جریبانه پول بدولت می دهند و البته آسیا هم باید حق دولت را بدهد اما این تحمیلی که در این لایحه شده خیلی گزاف است و بعد از این دیگر کسی آسیا نمی سازد و سدباب همرا می شود زیر ساختن آسیا در يك زمین مسطحی شاید دوسه هزار تومان خرج دارد و زمینی که برای آسیا لازم است تقریباً بيك جریب است و شاید بیست یا سی تومان قیمت داشته باشد لذا این مقدار برای حق الارض و حق السماه زیاد است این است که بنده پیشنهاد کردم که بابت حق الارض نیم عشر و بابت حق السماه نیم عشر بعد از وضع صد سی مخارج گرفته شود و بالاخره اگر آسیایی در ملک دولت ساخته شود و از آب دولت هم استفاده کند و به جهت دولت بيك عشر ببرد چون این عشریه غیر از مالیاتهای عمومی است لذا بنده این مقدار را کافی میدانم مخیر - عرض می کنم عشری که معین شده است از روی يك اطلاعات کاملی است که از اطراف طهران و سایر ولایات حاصل شده است و امیدوارم برای شور دوم بنده بيك صورتی از آسیاهای اطراف تهران حاضر و بمجلس بیآورم تا معلوم شود که آنچه در این لایحه بیش بینی شود خیلی کمتر از میزانی است که امروز به دولت می دهند در بعضی از جاها مثل غار و فشاویه معمولاً دو خمس یعنی چهار عشر از هایدی را بدولت می دهند در صورتی که آب و زمین مال دولت باشد و در ولایات هم آقایانی که آنجاها تشریف داشته اند بهتر می دانند

بهر حال این يك عشر حق الارض و بيك عشر حق السماه که معین شده خیلی کم است نسبت بآنچه که فعلاً معمول است بین اربابها و اشخاصی که آسیاب در املاک اربابی می سازند در هر صورت برای شور دوم انشاء الله بيك صورتی تهیه خواهد شد و بهر مجلس میرسد تا معلوم شود که در این جا چقدر رعایت از صاحبان طاحونها شده است رئیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند ؟ (گفته شد کافی است) رئیس - پیشنهادی که آقای قمی نوشته بودند راجع باین ماده ارسال میشود بکمیسیون ماده سوم قرائت می شود (بضمون ذیل قرائت شد) ماده سوم - از عایدات خالص طواحینی که در اراضی خاصه واقع شود و با آب خالصه کاری کند بيك عشر بابت حق الارض و بيك عشر بابت حق السماه در ریافت می شود رئیس آقای محمد ششم میرزا - بنده عرض می کنم که این اجازه و مالیات بجهت نسبت بسته شده است و نمی توانم تصور کنم برای این که آقایان تصور کرده اند که آسیابها همه بيك طور است و بيك مبلغ یعنی برای ساختن آنها خرج می شود و حال آنکه اینطور نیست اول زمینها قیمتش مختلف است و اینست که می فرمایند (زمین لم یزرع) غیر ممکن است که زمین لم یزرع باشد و اما گاهی در زمین های مسطح باید در نیم فرسخ راه جوی بسازند و سه چهار هزار تومان خرج دارد تا آب را بیآورند برای آسیا و در بيك جا هست چون فراز و نشیب زیاد است از این جهت ساختن آسیا خیلی آسان است و به دو بیست تومان می شود ساخت و در بعضی جاها دیگر هم از نقطه نظر ارتفاع محل ممکن است پنج هزار تومان خرج کنند تا آب را به آسیا برسانند و حال آن که این شخص با آن کسی که دو بیست تومان خرج کرده است بيك مقدار انتفاع می برد و بر حسب این لایحه بيك مقدار مالیات باید بدهند باین جهت بعقیده من نمی شود از همه بيك میزان گرفت یعنی نمی شود از همه بيك عشر یا بيك عشر و نیم یا دو عشر یا سه عشر بگیریم زیرا این دو قسم آسیا در بيك ردیف و شبیه به یکدیگر نیستند بعقیده بنده باید ملاحظه کنند به پیشنهادی آسیاهایی که ساخته شده و چه آنها بیك تازه میسازند مخارج آنقدر است جبران خرابی سالیانه آن چقدر است و قیمت زمین را که آسیا در آنجا بنا کرده اند بسنجند قیمت آنرا بسنجند ممکن است جایی باشد که آسیا صدمه به آب نزنند و ممکن است بيك جایی باشد که

صدمه اش به ضعیف نرسد اگر ما بیو کلین خود خدمت کنیم بنده میکنم که موکلین من تمام اهالی ایران است بلا استثنا و باید صلاح بینی برای تمام آنها بکنیم پس دولت باید قسمی کند که از برای تمام مردم فراهم کند خدا میداند اگر امنیت کاملاً در ایران برقرار شود قوه دولت زیاد شود آنکسانی که دارای ده گوسفند هستند در این مملکت نمیتوانند زندگانی کنند اما بر خلاف امروز که ما مورین دولت این همه فشار می آورند و همچنین بواسطه جاری نشدن عدالت که یانزده سال است مافظ اسم آنرا میبریم معنی ندارد متمول در عذاب است فقیر در عذاب است دیگر هر صنفی ندارم رئیس - آقای سردار مقفم سر دار مقفم - بنده اساساً باین لایحه با این ترتیبی که پیشنهاد شده است مغالتم لیکن بعضی اطلاعات دارم که در است عرض کنم و همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده هم در محیط قرائت می شود رعایا زیاد بوده و زندگانی کرده ام بنده سوم است حالیه در بعضی از قراء و دهات که طایفه است بیشتر از این مبلغ که پیشنهاد شده سوم است بیگانه در بعضی جاها دو عشر و سه عشر کرده ام میگیرند و بيك ترتیب صحیحی ندارند و اگر يك قاعده صحیحی برای اینکار داده شود البته بهتر است و بنده گمان میکنم که اگر خالصه مشروب می شود در هر صورت ارسال این لایحه بکلی رد شود و تصویب نشود شاید آن مقصودی را که شاهزاده سلطان میرزا دارند تأمین نشود و ما مورین مال روش سابقاً تعقیب کرده و بر ترتیب سابق مالیات بگیرند ولی عقیده بنده هم این است که بيك عشر برای حق الارض و بيك عشر برای حق السماه زیاد است نیم عشر برای حق الارض و نیم عشر برای حق السماه کافی است چون زمینی که طاحونها در آنجا درست می کنند زمین مرغوبی نیست و بر فرض اینکه زمین مرغوبی هم باشد دو بیست الی پانصد ذرع زمین آنقدر نامفید ندارد دو عشر و سه عشر گرفته شود این صورت اگر مجلس صلاح بداند نیم عشر از بابت حق السماه و نیم عشر از بابت حق الارض تصویب کند هم برای مالکین بصره و صلاح نزدیکتر است و همینطور است نظریات چند نفر از نمایندگان مجلس هستند و پیشنهادی هم در این خصوص تقدیم کرده ام رئیس - اگر مذاکرات را آقایان در این خصوص پیشنهادات قرائت شود کافی می دانند پیشنهادات قرائت شود (گفته شد کافی است) پیشنهاد آقای سلطان العلماء در این خصوص قرائت شد این بنده پیشنهادی تمام کرده ام اول لایحه پیشنهادیه دولت را میخوانم



که خیلی ضرر برای آب داشته باشد) اینها را بسنجند و بعد تناسب بین آب و زمین را بسنجند .  
 بهمان تناسب یک مبلغ را نمی توانند بعنوان اجاره معین کنند عرشش یا صد یک شد هر چه شد همان را برای اجاره آن آسیا معین کنند  
 بنظر بنده بهترین کارها همین است که قیمت بنا و ساختمان و نسبت آب و زمین و سایر جهات تمام سنجیده شود آنوقت مالیات وضع شود این است که همینطور هم پیشنهاد کرده ام و این مالیات فلسفه ندارد که تماماً یک عشر بدهند باختلافاتی که در آسیا مشاهده میشود  
**رئیس -** آقای میرزا ابراهیم قمی .

( اجازه )

**آقا میرزا ابراهیم قمی -**  
 اینکه شاهزاده فرمودند که بعضی اسبابها دوست تومان خرج دارد ظاهراً اشتباه فرمودند زیرا تنها سیصد تومان سنگ آن را میخرند .  
 اما اینکه فرمودند ممکن است از ارضی آن خیلی گران باشد اراضی دهات نوعاً جریبی بیست تومان است دولت بیست تومان زمین می دهد و دوهزار تومان خرج بنا آسیا می شود آنوقت دولت دو عشر ببرد و صاحب آسیا هشت عشر این هیچ تناسب ندارد و بنده معتقدم که باید در اینخصوص تناسب ملاحظه شود و الا بعد از این هیچکس نمیدرولش را در ملک دولت بریزد و آسیا بسازد .

**محمد شاه ششم میرزا -** باوجودی که بنده مکرر عرض کردم باید قیمت ساختمان و بنا و غیره سنجیده شود آقای قمی هم مقصودشان موافق با بنده بود معذرت تمام سنگهای آسیای ایران را سیصد تومان می خردند و با هم جاضران است که سنگهای آن را از کوه درآوردند بیارند خیر خیلی از نقاط است که سنگ آسیا یا زنده تومان بیست تومان است و بنده اینطور عرض نکردم که همه آسیاها دوست تومان خرج دارد استدعای کنم اول مطلب بنده را خوب گوش کنید بعد جواب بفرمائید و الا عرض بنده را درست گوش ندادند اینطور صراحتاً اظهار مخالفت را نمی دانید یعنی چه ؟  
**رئیس -** آقای اقبال السلطان ( اجازه )

**اقبال السلطان -** در اطراف این دوسه ماده واقعا يك مذاکرانی می شود که اسباب تعجب است گاهی از زیادی خرج فریاد می کنند گاهی از زیادی وضع مالیات شکایت دارند اول باید فهمید که معمول مملکت چیست ؟ اگر عقیده آقایان این است که دولت حقوق خودش را ببخشد

آن امری است علیحده هر چه هست بهر قیمت ببخشند محصول را ببخشند گندم - جو - صوفی شوری هر چه هست ببخشند آنوقت مخارج دولت از کجا باید اداره شود و الا اگر می خواهید حقی از برای دولت معین کند که بگیری باید همانطوری که آقای مدرس فرمودند مطابق معمول مملکت حقی تعیین شده معمول مملکت این است وقتی تمام حقوقهایی که از آسیاها می گیرند باختلاف نصف نلت ربع تمام اینها را بنسب میزان صحیح مملکتی نلت است یعنی صدی سی و سه می گیرند در اینجا ماسد بیست فراد دادیم صد سیزده از معمول به مملکتی کم کردیم می فرمائید اینطور نیست آقایانی که دو اینجا هستند اغلب صاحب ملک و آسیا هستند

( گفته شد اینطور نیست )

**اقبال السلطان -** اینطور هم نیست که همه آقایان بی اطلاع باشند البته آنها بیگانه ملک دارند مطلع هستند حالا هر کدام می خواهید خودتان را فقیر حساب کنید مختارید ولی غالباً اطلاع دارید یا باید گفت اصلاً هیچ از رعیت نباید گرفت یا اگر بنا باشد حقی گرفته شود و اما اینکه شاهزاده محمد هاشم میرزا می فرمایند که بعضی آسیاها خیلی خرج بر میدارند بعضی آسیاها چندان خرجی بر آن تعلق نمی گیرد و باید این مناسبات را بسنجند عرض می کنم این لایحه راجع به آسیاها این است که فعلاً در دهات موجوده است و ساخته شده است که يك حقوقی از آنها گرفته می شود صاحبان آنها چون شکایت داشته که کم وزیاد گرفته می شود لذا این مقدار را تعیین کردند در اینصورت اگر در آتیه بخواهند يك آسیائی بسازند البته آنها می که می خواهند بنا کنند اگر صلاح خودشان را دیدند و ساختن آسیا برای آنها فایده دارد البته می سازند و اگر دیدند فایده دارد البته می سازند و حضرت والا خودشان دانند اشخاصی که در دهات می سازند آسیای چهار هزار و پنج هزار تومانی نمی سازند آسیا هائی که رعایا در دهات می سازند دوست الی سیصد تومان بیشتر خرج ندارد و آن آسیاها یک سه هزار تومان تمام می شود خود مالک می سازد و تمام حقوقش را هم خود مالک می برد اگر چنین آسیائی که در اراضی خالصه باشد البته متعلق بخود دولت است  
**رئیس -** آقای شیخ ابراهیم زنجانی ( اجازه )

**آقا شیخ ابراهیم -** بنده برای رفع اختلاف عرض می کنم در اینجا مقصود این است که اگر من باینکفر دهانی یا باینکفر شهری برود در مالک خالصه طاحونه بسازد چه حقی باید بدهد در اینجا دو صورت دارد با اینکه زمین مال خود مالک است و از آب آسیا می گرد يك عشر باید حق السما را بدهد و اگر زمین و آب و زمین هر دو مال دولت است آنکسی که می خواهد طاحونه بنا نماید باید دو عشر بدهد يك عشر جهت حق الارض و يك عشر جهت حق السما حال اینکه بعضی میفرمایند نیم عشر کافی است راجع با حق عرضی ندارم و هر چه اکثریت مجلس رای بدهد البته باید رفتار شود و این لایحه که بمجلس آمده و مطرح است مالیات نیست من هم اگر این مالیات می دانستم مخالف بودم بجهت اینکه همان طور که گفته شد مالیات وضع نمی شود مگر بقدر حاجت ما که نمی دانم چقدر حاجت داریم که مالیات وضع کنیم دولت باید حاجت را به بیند چقدر است و مالیات پیشنهاد کنند مثلا اگر امروز دولت ده تومان کسر خرج دارد ده تومان مالیات بسایند پیشنهاد کند ولی در اینجا دولت زمین و آب می - دهد و يك حقی از بابت زمین و آب می گیرد نمی شود گفت که چیزی نگردد حالا يك عشر بگیرند یا نیم عشر منوط برای اکثریت است پس آنچه بنده نکرانی دارم و بعد از این ممکن است اسباب اختلاف شده این است که بعد از این اختلافاتی راجع به عایدات بین مأمور دولت و صاحب آسیا پیدا خواهد شد صاحب آسیا خواهد گفت فلانقدر است مأمور می گوید زیاد تراست اگر رفع این نکرانی بشود خوب است والا در باب نیم عشر يك عشر حق الارض و حق السما اکثریت هر چه رای داد صحیح است چنانچه نظر بنده و جمعی دیگر هم این است که عشر زیاد است و الا بعقیده بنده این پیشنهاد ضرری ندارد هر کس می خواهد آسیای بنا نماید اول می بیند صلاحش هست یا خیر اگر صلاحش هست میرود ده هزار تومان خرج می کند و اگر صلاحش نیست بکشای هم نمی دهد پس ما کار نداریم چقدر خرج کرده است کارمان بایندهی است که هر چه اکثریت رای بدهد از آن آبادی از بابت حق الارض و حق السما باید دریافت دارند  
**رئیس -** آقای عماد السلطنه ( اجازه )

**عماد السلطنه -** بنده در ضمن موافقت خودم يك مسئله بنظر می رسد خواهستم از آقای ممبر سوال کنم در املاکی که هم دولت مالک است و هم اشخاص دیگر این حقوق بین مالک و دولت مشترک است یا اینکه تماماً راجع بدولت است اگر راجع بهردو است حق هر یک را چه طور تشخیص می دهند  
 مخیر - البته املاک شرکستی یا مشاع است یا مفروز اگر مفروز است البته دولت حق خودش را خواهد برد و مالک

دیگر حق خودش را و اگر هم مشاع است بهمان اندازه که دولت مالک است خواهد برد  
**رئیس -** مذاکرات در ماده سوم کافی است ؟  
**رئیس -** اگر آقایان موافق باشند ده دقیقه برای تنفس مجلس تعطیل شود ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )  
**رئیس -** ماده چهارم مطرح است ( بمضمون ذیل قرائت شد )  
 ماده چهارم - عایدات خالصه مذکوره در مواد فوق عبارت است از کلیه عایدات طاحونه پس از وضع صدی سی از بابت مخارج از هر قبیل  
**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب -** بنده مخالفم در اینجا برای این است که می خواهند میزان مخارج را تا حدی معین کنند و بعقیده من این میزان کم است و باید صدی چهل برقرار کنند و علت مخالفت بنده این است که چون دستم نرسد کاری بکنم این تعیمات بکنی برداشته شده این است که در هر لایحه از این قبیل که دولت مجلس پیشنهاد می کند بنده عرض خود را می کنم و قصد هوم فریبی و گول زدن مردم را هم ندارم زیرا بنده می دانم چقدر در این مدت تعیمات فوق العاده و فشار وارد شده بنا بر این نظریه این تعیمات هر جا ممکن باشد بنده عرض خودم را می کنم تا رفاهیت مردم ملاحظه شود این است که در این جا قطع نظر از این عقیده کلی صدی سی را برای مخارج کم می دانم زیرا وقتی يك شخصی می آید و يك مخارجی می کند و يك آسیائی می سازد باید ملاحظه سرمایه او بشود خود بنده ارباب ملک هستم اینکه می گویند آسیا دوست تومان خرج دارد برخلاف است آسیا دوسه هزار تومان خرج بر میدارد و باید ملاحظه سرمایه او را بکنیم این است که بنده پیشنهاد می کنم که در عرض صدی سی بنویسند پس از وضع صدی چهل حق دولت اخذ شود  
**رئیس -** آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی مخالفید  
**حاج میرزا علی محمد -** بلی  
**رئیس -** آقای رفعت الدوله چطور  
**رفعت الدوله -** بایشان آقا سید یعقوب مخالفم  
**رئیس -** با ماده چهارم  
**رفعت الدوله -** با اصل ماده موافقم ولی باید وضع صدی چهل که آقای آقا سید یعقوب فرمودند مخالفم  
**رئیس -** آقای حاج شیخ اسدالله

اسدالله فرمودند منتهای ده سال و بیست سال می گذرد يك بیخ بندی میشود تنوره اش خوب می شود خرج دیگری ندارد و این صدی سی کفایت میکند و اگر بیشتر از این ملاحظه شود برای دولت ضرر دارد  
**رئیس -** مذاکرات کافی است ؟  
**رئیس -** ماده پنجم قرائت میشود ( بمضمون آتی قرائت شد )  
 ماده پنجم - مقصود از آب و زمین خالصه که در مواد فوق ذکر شود آب و زمینی است که در تصرف دولت باشد و خالصجات انتقالی را که در حکم املاک اربابی است شامل نمیشود  
**رئیس -** مخالفی نیست ؟  
**حاج میرزا علی محمد دولت آبادی** بنده در این موضوع پیشنهادی کرده بودم  
**رئیس -** پیشنهاد آقای دولت آبادی قرائت میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد مینمایم ماده پنجم اینطور نوشته شود تا ماده پنجم مقصود از آب و زمین خالصه که در مواد فوق ذکر شده آب و زمینی است که در تصرف دولت باشد و خالصجات انتقالی که در حکم املاک اربابی است و کلیه طاحونه هائی که از نهر های اربابی رودخانه ها و فاضل آنها مشروب میشود شامل نمیشود  
**رئیس -** ارسال میشود بکمیسیون و شور اول تمام شد رای میگیریم داخل در شور ثانی بشویم یا خیر ؟ آقایانیکه تصویب میکنند شورتانوی بشود قیام بفرمایند ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )  
**رئیس -** چند فقره سوال از آقایان وزراء میشود آقای رفعت الدوله سوال از آقای وزیر مالیه دارند  
**رفعت الدوله -** بنده از آقای وزیر مالیه سوال میکنم از این وجوهائی که به عنوان مختلفه از همدان الی قصر گرفته میشود اطلاع دارند یا خیر ؟  
**وزیر مالیه -** از چه قبیل است  
**رفعت الدوله -** اگر اجازه میفرمایند عرض کنم این وجوهاتی که میگیرند غیر از این بولهای است که مأمورین راه شوسه و قره سوران میگیرند اینها يك بولهای است که مأمورین مالیه میگیرند همدان از کاری چار تومان و دو قران ( از مال و قاطر و شتر باردار دو قران ) مال خالی هفتصد دینار است آباد بعنوان آب بولی که از قانله که از آنجا عبور میکند شب می ماند میگیرند و قیش راهم گرفته و آورده ام و هیچ امضاء ندارد معلوم نیست بچه عنوان است ؟

**وزیر مالیه -** در صورتیکه برف روی زمین است از مال وادم بول آب میگیرند از هر آدمی شبی بیکقران اگر یککبب بماند بیکقران از پنج شب بماند پنج قران قبض رسیده ش هم نیست بچه عنوان است ؟  
**رفعت الدوله -** بنده عرض میکنم که صدی سی برای مخارج طاحونه کفایت میکند و همان است که آقای حاج شیخ اسدالله

حاضر است که امضاء هم ندارد میخواهید تقدیم کنم در اسد آباد بعنوان اعطاسی يك بولی میگیرند که توشب اینجا مانده و مال محفوظ مانده باید فلان مبلغ بدهی آنچه متفاوت است اگر قبض باشد يك قران میگیرند و اگر غنی باشد هیچ نمیدهند بنده آنجا بودم دیدم گرفتند ولی خودم ندادم و گفتم این بول مصوبه مجلس نیست باز در اسد آباد بعنوان توافقی از کاری چهار تومان دو آوردند گریه می دادند شاه می گرفتند امروز این مسجل شده که از هر قاطر و شتری قران در صورتیکه تا همدان شش فرسخ فاصله است نمی دانم باید دو جا نواقل بدهند و آیا برای نواقل يك خصوصیات و يك مسافتی معلوم شده است یا خیر ؟ سکه در چقدر فاصله بدهد ؟  
 چون اسد آباد شهر نیست يك بیاناتی است که هیچ جایی ندارد و نمی شود هیچ تنظیماتی در او کرد کنکاور بفاصله چهار فرسخ تا اسد آباد باز نواقل چهار قران يك عباسی کرمانشاهان بول پته و دلالی در قدیم دلایه می آمدند و يك مالی می دو قران از الاغ يك قران از کاری ۱۰ قران می گیرند و در حقیقت از ورود و خروج مال بکرمانشاهان ماهی پنجاه هزار تومان اقل گرفته میشود در ماهی دشت مفتش دلالی بیکقران که به بیند در کرمانشاهان این مالیات را گرفته اند پانه اگر گرفته شود يك قران می گیرد و اگر نگرفته اند سه مقابل چربی میکنند  
 در کرمان تومانی صد دینار باسم معارف می گیرند دریل زهاب حق المرتع از انومیل از کاری از مال هر چه بشود چون در سابق آنجا مرتعی بوده متعلق بدولت که گوسفند و مال و غیره در آنجا چرا می کردند و يك چیزی از آنها می گرفته اند حالا هم که يك ذرع برف روی زمین بود زنجیر کشیده بودند و از انومیل و مال و غیره حق المرتع می گرفتند  
 بنده مخصوصاً گفتم پس خوب است اقل عنوان این قبض را تغییر بدهید زیرا اسباب افتضاح مالیه است که از انومیل حق المرتع بگیرند این راهم نمی دانم مصوبه کجاست ؟  
**وزیر مالیه -** حق المرتع چقدر بوده ؟  
**رفعت الدوله -** چهار قران و ده هاشم از کالسکه که خودم سوار بودم گرفتم از انومیل چون بنده سوار نمی شوم نمی دانم چقدر گرفتند ولی گویا دو تومان گرفته باشند قصر باز نواقل چهار قران و يك عباسی بوده پته و دلالی بازده قران صورتی که کاری چنان مهوراً داده اند و خیلی مفصل است که تمام آن راجع بوزارت مالیه نیست راجع بوزارت داخله و وزارت فوائد عامه است آنچه که راجع بوزارت مالیه بوده تقریباً عرض کردم حالا اگر این هواید بجهت دولت مجرب بود باید معلوم شود برای

اینکه فعلاً که برف روی زمین است حق المرتع و آب بولی از انومیل و غیره معنی ندارد و اگر مجلس صلاح می داند گرفته نشود نواقل را هم نمی دانم باین ترتیب مجلس تصویب کرده یا نه و در چه فاصله باید بگیرند چون از این شهر بآن شردر سه چهار جا بول نواقل می گیرند بنده خواهش می کنم برای رفاه حال مردمی که از این راه می روند دولت يك عطف نظری بکنند که آن بیچارهها راحت باشند و آن هائی را هم که متعلق براه شوسه است انشالله از وزیر فوائد عامه سوال خواهم کرد و بانوشتهائی که بهر روستا دوا بر دارم تمامرا مدلل میدارم  
**وزیر مالیه -** مالیاتهایی که بعنوان نواقل گرفته اند بمصرف بلدی شهرها می رسد اما عوارضی که در راه ها گرفته اند بعنوان آب بولی و پته دلالی اطلاع ندارم تعقیب می کنم جوابش را در جلسه آتیه عرض میکنم  
**رفعت الدوله -** بنده می دانم مالیات نواقل برای مصرف بلدی شهر است ولی آقایانی که از این راه رفته اند می دانند که کنکاور يك شهری نیست و در آنجا این پول را می گیرند اسد آباد هم يك خرابه است که باید چقدر بودم در آنجا زندگی کند و بنده غیر از تا بلو ادارات در آنجا چیزی ندیدم و يك چیز هائی دیدم که اگر عرض کنم خیلی مضحک است  
**رئیس -** آقای وقار الملک راجع به مالیاتی که سردار اقدس باید بدهند سوالی داشته .

**وقار الملک -** عرض می کنم مدت هشت سال است که آقای سردار اقدس مالیات خودش را تأدی نکرده است و بتعمیق انداخته و در مقابل يك مالیات گزارنی که تحویل اهالی هرستان می شود فقط هشتاد هزار تومان سردار اقدس باید بدهد تقریباً سی و دو هزار تومان از این هشتاد هزار تومان هم مواجب مستخدمین خود سردار اقدس است و در سال بیش از پنجاه هزار تومان بدولت تأدی نمی شود باوجود این در مدت هشت سال دیناری بدولت تأدی نشده این راجع به مالیات مستقیم هم بعضی عرایض دارم که به عرض خواهم کرد  
**وزیر مالیه -** چون مسبق نیستم در جلسه آتیه جواب عرض خواهم کرد  
**رئیس -** آقای شیخ الاسلام اصفهانی از آقای وزیر مالیه سوالی دارند .

**شیخ الاسلام -** بنده ابتدا خدمت آقایان تذکر می دهم که خدمت آقای اسلامی ارادتی ندارم و در تمام عمر هم خدمت آقای امیر کبیر نرسیده ام و آقای میرزا علی محمدخان منفر در راهم نمی شناسم



قطب يك زمينه بدست آورده ام از برای تعقیب مشی سیاسی خود این است که از آقای وزیر معتمد علیه سوال می کنم اسلام امرت پذیرفته نیست وراثت پدر هیچ حکم نیست ولی هر کس یاسانی از احکام مقدس اسلام بکند و قوانین مقدسه اسلام را حفظ کند البته خداوند در دنیا و آخرت اوزار عزیز و محترم خواهد داشت حکم احترام تصرف هم از احکام مختصه اسلام نیست و در تمام مذایب و ادیان تصرف محترم است و از احکام اولیه و طبیعی است و اگر پنج دقیقه این حکم از دنیا برداشته شود شاید مستلزم قتل میلوها نفوس بشود این کتابچه را هم بنده کار ندارم که قانون هست یا نیست (اظهاره بقوانین عدلیه) مطابق قوانین اسلام است یا نیست اگر چه بعقیده بنده اینها قانون نیست. قانون باید از مجلس شورای ملی بگذرد و من حیث المجموع هم این کتابچهها مخالف است با ضروریات دین اسلام و این کتابچهها مفاد و وسیله امر بمعروف و نهی منکر نیست امر نهی تعقیب و تقنیش ندارد و امور عدلیه از اول تا آخر حکایت تعقیب و تقنیش است. پس بعضی اینکه یک نفر گفت در فلان خانه مشروب هست ساز هست قمار هست اگر نردبان گذارند و از دیوار خانه مردم بالا رفتند داخل خانه مردم شدند و تعقیب و تقنیش کردند فعل حرام را مرتکب شده اند همین طور است و تقبیه حسن بگوید من ده تومان از حسین می خواهم اگر حسین را تعقیب کردند و به حدود آزادی اولطمه وارد آوردند فعل حرام کرده اند ادعا می کنند که قاضی می خواهد قاضی می خواهد. معاکه قاضی کم داریم باید شروط داده اگر قاضی کم داریم باید تدارک کنیم در مورد حقوق يك قران يك میلیون صد میلیون هیچ تفاوت ندارد امر بمعروف و نهی از منکر کاغذ سبز و سفید و قرمز ندارد در هیچ کتابی از کتب امر و نهی نوشته است که اگر روز هشتم هریضه ندادند صبح روز نهم حقوق آنها باطل می شود بنده بیچاره کتاب فقه می آورم هر کس مدعی است چنین مسئله در کتب فقهیه هست به بنده نشان بدهد اختلاف مذموم در میان نیست احکام مقدس اسلام هم طوری برجسته و شفاف است که اگر فرضاً فردا یک نفر از طهران تلگراف بکند به واشنگتن و از يك آدک يك مسئله قضائی اسلامی را بپرسد بعد از دوروز مطابق آنچه در شرح لحه و شرح کبیر نوشته شده جواب می دهد باین حال ممکن است يك نفر اشتباه بکند هر کس باشد آیا در صورتیکه از هزار نفر اهل خبره نهصد و نود و هشت نفر یا نهصد و نود و نه نفر يك کاری را تکذیب کردند و یک نفر یا دو نفر تصدیق کردند آیا آن يك نفر دو نفر اشتباه کرده اند یا آن نهصد و نود و نه نفر بعقیده بنده نهصد و نود و نه نفر در مقابل

بکنفر اشتباه نمی کند خلاصه منظور بنده اینها نبود عنان حرف از دستم بدر رفت. مطلبی که دارم این است مطابق اصل دوم متمم قانون اساسی که می گوید هر قانونی که مغالفت با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد سمت رسمیت پیدا نمی کند آقای حاج امام جمعه خوئی و آقای مدرس هم که شریک در تدوین این کتابچه ها بودند این شرح را نوشته اند که الان قرائت می کنم.

زیدی ادعائی بمعروی داشت و عدلیه تعظیم نمود عدلیه در مقابل ادعای زید ملک هر روز توقیف نمود و حکم می نماند عمرو زید خاتمه پیدا کند و بعد از مدتی شخص بدون سابقه آن ملک را از عمر و بیع قطعی خرید و وجه آنرا تمام پرداخته است و آن را تصرف کرده مرقوم بفرمائید این معامله صحیح است یا خیر؟

آقای مدرس نوشته اند معامله شرعاً صحیح است آقای خوئی هم نوشته اند معامله مسطوره صحیح است شرعاً يك حکم از وزارت جلیله عدلیه صادر شده که این است آقای حسن ملی خان املاک ذیل را در تاریخ پنجم ذی قعدة برای تأمین مطالبات آقایان میرزا علی محمد خان و میرزا علی محمد خان از حضرت اشرف والا شاهزاده امیر کبیر توقیف شود و پس از آن از طرف معامله بدون رجوع بوزارت عدلیه املاک مزبور فروخته شود نظرباینکه اقدام بچنین امری مخالف بمسود ماده ۳۸۰ و ماده ۳۸۶ و ماده ۳۸۷ قانون اصول معاهدات حقوقی بوده است حسب الامر مقام منبع وزارت جلیله عدلیه باید مطابق حکم معکله تحت توقیف در آید و مالک فعلی املاک مزبور منع از مداخله در آنها باشد مگر آنکه فروخته ... باقی این حکم داخلی بمطلب بنده ندارد و سؤال بنده از آقای وزیر عدلیه این است

در صورتیکه مطابق اصل دوم واصل بیست و هفتم متمم قانونی که برخلاف قانون مقدسه اسلام باشد سمت قانونیت پیدا نمی کند در صورتیکه آقای مدرس و آقای حاج امام جمعه خوئی هم صحت معامله این املاک را نوشته اند این حکم وزارت عدلیه مطابق چه قانونی بود و چگونه ملک متصرفی را که معامله او بر وجه صحت بود مالک را از مداخله در ملک خود ممنوع داشته اند

وزیر عدلیه - واقعا من خیلی مسرورم که مجلس شورای ملی وعده از نمایندگان مراقب حفظ حقوق شاهزاده کامران میرزا و اسلامی هستند که ...

شیخ الاسلام - خیر اینطور نیست وزیر عدلیه - اجازه بدهید ما منظور

که عنان سخن از دست جناب عالی خارج شد از دست بنده هم خارج بشود. بنده هم کامران میرزا و اسلامی و میرزا علی محمد

چطور می شود در مملکت ایران دولتمدار اسلام درم کز مال شیعیه بگوئیم قوانین برخلاف موازین شرعیه است کجا می شود چنین چیزی را گفت حتماً باید قوانین با قوانین شرعیه مطابقت بکنند منتها بنده مصدق این مطابقت نیستم قانون اساسی اشخاصی را برای این کار معین کرده است که قوانین را با موازین شرعیه تطبیق کند و مادام که امضای آن اشخاص در ذیل این قانون هست من حق تردید ندارم پس مطابق همین قانون اساسی که حضرت مستطاب عالی متوسل بآن شدید من این قانون را صحیح و مطابق با موازین شرعیه می دانم و غیر از این من وظیفه ندارم و اینکه می فرمائید آقایان مدرس و حاج امام جمعه خوئی نوشته اند این معامله صحیح است اینجا دو مطلب است که هیچ مربوط بهم نیست یکی صحت در قضا و عدم نفاذ این قانون است و همانطور که عرض کردم اینکه آقا نوشته اند و امضاء کرده اند که این قانون صحیح و موافق موازین شرعیه است مطلب دیگر راجع بصحت و عدم و فقط چیزی که هادی من خواهد بود همین کتابچه بعقیده شما همین قانون بعقیده بنده است و راه دیگری هم من نمی توانم بروم اما فرمودند مطابق اصل دوم واصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی اعتبار قوانین منوط به عدم مغالفت با موازین شرعیه است. بنده هم عرض می کنم این اصل معجز و مسلم و مقدس است و البته آنچه چیزی کفوق قانون اساسی است و فوق آنچه چیزی است که بنده و شما بگوئیم قانون آسمانی است و فوق همه اینهاست و من و شما که هر دو مسلمان هستیم هر دو باسوره دوازدهم قانون محمد بن عبدالله خانم التبتین هستیم می دانیم قانون شرع فوق تمام قوانین است و لسی آیا بن و شما اختیار حکمت این کار را داده اند؟

بنده در یکی از جلسات گذشته عرض کردم حالا هم تکرار می نمایم و آن این است که ماده هفتم این کتابچه با قانون می گوید هیچ اداره دولتی و مقام رسمی نمی تواند حکم معکله عدلیه را تغییر بدهد مگر خود معکله که حکم داده است یا معکله بالاتر در مواردیکه قانون معین کرده است یعنی بجز در آن مواردی که حکم از يك معکله صادر شد ولو متکی به مدارک غلط باشد آن حکم برای قوه اجرائیه واجب الاجرا است و اگر يك قوه اجرائیه و يك امضای دوفراز علمائی که در آن موقع جزو علمای طراز اول بوده اند یعنی مکلف باشد آن حکم را اجرا نماید پس بنده در آخر کتابچه امضای دوفراز علمائی که در آن موقع جزو علمای طراز اول بوده اند یعنی مکلف باشد آن حکم را اجرا نماید پس بنده در آخر کتابچه امضای دوفراز علمائی که در آن موقع جزو علمای طراز اول بوده اند یعنی مکلف باشد آن حکم را اجرا نماید پس بنده در آخر کتابچه

و استیفاء و تمیز رفتن و آنوقت مدعی من به بیند هنقریب محکوم به بی حقی خواهد شد نتواند تمام املاکش را بفروشد و متکی به الفسلف می آید بلکه بشود تمام زحمات و خسارات بنده از بین برود قانون برای حفظ جامعه و حفظ نظام يك اصولی را مقرر می دارد و او اینکه برخلاف آزادی شخصی است ولی فقط نظام جامعه سلب آزادی شخصی را الزام می نماید و یکی از آن اصول این است که در موقعی که کسی تقاضای تأمین مدعا به بنده معکله عدلیه حق دارد يك قسمت از دارائی منقول یا غیر منقول کسی را برای طلب مدعی توقیف بکند که قبل از ختم مجامعه و دعوا این دارائی فروخته نشود و بدیگری انتقال نیابد تا دعوی خانه پیدا کند البته ملک مال شما است ولی برای اینکه شاید بعد مدعی يك حقی در دارائی شما پیدا کند موقتاً ملک شما توقیف می شود تا تکلیف معین شود.

اگر شما محکوم شدید چون باید باز دارائیتان بدهید آنرا می فروشند و در مقابل دین شما می دهند و اگر شما محکوم نشدید ملک مال شماست و این توقیف موقتی برداشته می شود آنوقت می خواهید بفروشید می خواهید بسوزانید هر کار می خواهید بکنید این مسئله منطقی و عقلانی است و حالا هم همینطور رفتار شده است یعنی از طرف معکله حکم توقیف املاک امیر کبیر صادر و بطرف هم ابلاغ شده است زیرا و کبیر ایشان قرار معکله را رؤیت نوشته و گفته است استیفاء خواهم داد ولی استیفاء نداده یعنی يك حقی از خود یا مکل خود سلب کرده که باز مسئولیت آن نه متوجه معکله عدلیه و نه متوجه وزیر عدلیه است متوجه خود ایشان می باشد باینکه خود ایشان عملاً متصرف شده اند این مربوط به عمل بنده نیست زیرا از موقعی که برای استیفاء معین شده استفاده نکرده و استیفاء نداده است عدلیه هم حق حتی اینکه یکی از مواد قانون ما این است که اگر کسی دو خانه متساوی القیمه داشته باشد و یکی از آنها را معکله برای تأمین مدعا به توقیف کرده باشد اگر بخواند خانه دیگری بآن خانه تبدیل نماید نباید با رضایت مدعی باشد اگر چه در بادی نظر ممکن است این مسئله به اهمیت بنظر می آید ولی قانون ما می گوید تبدیل این خانه بآن خانه بدون رضایت مدعی ممکن نیست علاوه اگر بعد از توقیف کسی حق فروش و انتقال دارائی خود را داشته باشند دیگر هیچ متعلقه برای توقیف باقی نمی ماند و آنوقت باید تمام مواد قانون را که راجع به تأمین مدعی به است دوران دناخت. امروز ملک حسن آباد بنده را توقیف میکنند می فروشم فردا حسن آباد را همینطور و بالاخره معلوم می شود يك شوخی از طرف معکله می شود

خیر اینطور نیست وظیفه بنده هم اجرای حکم معکله است و به علاوه باید بگویم در همان موقعی که شنیده شده است شاهزاده امیر کبیر مشغول معامله با اسلامی بوده وزارت عدلیه در روزنامه اعلان کرده است که بدانید این املاک در توقیف عدلیه است معامله نکنید در صورتیکه در ممالک متدعیه لازم است این اصل مسلم باشد و توسل بعدم اطلاع از قوانین هرچوقت مسموع نیست و شما مکلف هستید قوانین مملکتی را بدانید و اگر ندانید تصور کرده اید پس بالاخره اسلامی نباید نسبت باملاکی که بر طبق قانون و حکم معکله توقیف شده معامله بکند حالا این قانون خوبست باید بنده شخصاً حق دارم تنقید بکنم و يك قانونی را بد بدانم ولی مکلف باجرائش هستم و مادام که از طریق مقرر قانونی نسخ نشده باید آنرا اجرا نمایم حالا بر طبق همین قانون این املاک در تحت توقیف عدلیه است نه بشاهزاده کامران میرزا داده می شود نه با اسلامی تا وقتی که تکلیف عارضین معین شود و فارسیش این است که دوسراست و يك کلاه و بالاخره باید یکی از این سرها بی کلاه بماند.

شما می فرمائید سراسلامی باید با کلاه باشد بنده عرض می کنم سر میرزا علی محمد خان باید با کلاه باشد زیرا میرزا علی محمد خان قانوناً حق اولویت دارد و دوازده سال است فریاد او در این مملکت بلند است و گوش همه را کر کرده و بعقیده بنده اگر کسی دوازده سال تمدی بیند و عارض شود بالاخره باید سر آن بدبخت با کلاه باشد و آن بدبخت مستحق تر از اسلامی است علاوه سؤال کردن برای اطلاع از يك قضیه است مکرر سؤال فرموده اید و بنده هم جواب داده ام و بالاخره خود را محق می دانم قانون را اجرا کنم و هر يك از نمایندگان نظر بنده را تصدیق نکنند قانون را معین کرده راضی استیضاح و اظهار عدم اعتماد است و بنده در این باب تغییر عقیده نمی دهم

شیخ الاسلام - اجازه بفرمائید رئیس - بفرمائید.

شیخ الاسلام - آقای وزیر عدلیه قدری اهانت بیند کردند و قدری هم فریاد زدند و بنده جواب خود را تفهیم عرض بنده این بود که در صورتی که تصرف محترم است و این دوفقر که شما باجتهاد ایشان تصدیق دارید صحت این معامله را تصدیق کرده اند آیا چه پیش آمده است که ملک متصرف را توقیف کرده اید؟ بنده کاری با اسلامی و امیر کبیر ندارم بنده اسلام را می شناسم و کارم با اسلام است

وزیر عدلیه - علتش را عرض کردم آقایان البته صلاحیت تصدیق را دارند ولی بالاخره اگر يك چیزی را در

خارج تصدیق کرد ناقض قانون نمی شود تصدیق آقایان نسبت باین قانون و نسبت بصحت این معامله هر دو محترم است ولی ناقض قانون نمی شود و اینها را باید از یکدیگر تفکیک کرد اما اینکه بنده جواب را مفصل عرض کردم برای این بود که نمیتوانم بشنوم يك قانونی را بگویند کتابچه و برخلاف موازین شرعیه است و اعتراض نکنم و دیگر اینکه شما هم مفصل سؤال فرمودید ممکن است برای امتحان یکدفعه دیگر معترض سؤال بفرمائید تا بنده هم جواب مختصر بدهم فرمودید تصرف محترم است ولی آیا تصرف کسی که بالصرافه حق تصرف ندارد محترم است؟ آیا تصرف کسی که عیبی مرا برداشته محترم است خیر این شخص متصرف نیست بلکه قاصب است.

رئیس - آقای سائری زاده راجع بتجدید خراسان سؤال داشتند.

وزیر عدلیه - آقای شیخ الاسلام يك سؤال دیگری هم از بنده داشتند چون بنده می خواهم مرخص شوم اگر اجازه فرمائید سوالتان را بفرمائید

شیخ الاسلام - درجه بعد سؤال می کنم

وزیر عدلیه - بنده برای جواب حاضرم

شیخ الاسلام - می فرمائید سؤال بکنم

رئیس - بفرمائید.

شیخ الاسلام - البته این مطلب را همه آقایان تصدیق می کنند خشت اول که کشید دیوار کج می شود قوانین قضائی از مجلس شورای ملی رخت بر بسته و به يك کمسیون هشت نفری رفته و با اینکه الان هشتاد نفر از نمایندگان محترم در مرکز تشریف دارند هنقریب در میدان توپخانه بپهلو فریاد می زنند (قانون عدلیه مصوبه مجلس شورای ملی) در صورتی که روح این هشتاد نفر نماینده از آن قانون اطلاع ندارد این است که بنده هم مجبور شدم بعضی مطالب را سؤال کنم این قانون ثبت اسناد و املاک را بنده بدقت خواندم و بنظر بنده چهارمطلب را بطور قطع این قانون ایجاد کرده است اولاً يك مضارح منگفت از برای دولت دوم تدارک کار برای یکمده بیکار که فردا هر کسی برود اینگونه و آن گوشه يك کاغذ کهنه پیدا کند و در آن دفتر ثبت کند بعد حکایت مراغه و معاکه و فقیره تولید بشود. مطلب سوم تضييع حقوق تمام فقرا و ضعفا است که در املاک ایران هستند و همه می دانیم که در این مملکت ملا کینی هستند که هر يك باندهاز خاك مملکت بلز يك املاک و اراضی در تصرف دارند از بوشهر تا شیراز

و عربستان و ارستان و اصفهان و کردستان و آذربایجان و خراسان و کرمانشاهان و گیلان و مازندران همه جا هستند آیا این املاک مال خود آنها است؟ خیر مال فقرا و ضعفا و بیچارگانی است که می میسر گردد آنها را خلاص و این بیچاره ها کی هستند یکی در خانه همین غاصبین مهتری میکنند آنها که خیلی محترم و طرف اهمیت هستند شاید کد خدا و ضابط يك ده باشند این قانون يك حصن حصینی است برای غاصبین املاک مردم زیرا این فقرا نمی توانند از این مال گدائی که دارند چشم ببوشند و دارائی هم ندارند که عرضه بدهند و معاکه کنند.

بهاول گداه را میزد می گفتند چرا گداه را اذیت می کنی می گفت من کمک بخدمتی کنم خدا اینها را زده است من هم می زنم.

حالا این قانون هم نمود بالله کمک به خدا میکند زیرا بواسطه آن حقوق تمام فقرا و ضعفا ایران که در دست غاصبین است از میان خواهد رفت چهار ماه که سهل است چهار سال هم که بگذرد نمیتواند حاضر شوند و معاکه کنند.

آن تکیه گاهها که سابقاً ملاکین برای خودشان درست کرده بودند خراب شد ولی حالا این قانون يك تکیه گاه خیلی متینی برای آنها می شود و آفت زهر نمیکنند چند سال بگذرد اختیارات دولت در تمام زوایای مملکت محکم شود که دولت بتواند مالیات خود را بسهولة بگیرد.

مطلب چهارم که بنظر من این قانون ایجاد میکند اینست که اصل ۱۱۶ میگوید ثبت ملک در دفتر املاک.

وزیر عدلیه - املاک است

شیخ الاسلام - تصور کردم از این الفاظ تازه است.

وزیر عدلیه - خیر قدیمی است

شیخ الاسلام - ثبت املاک در دفتر املاک سند مالکیت کسی است که ملک بنام او ثبت شده و دولت فقط او را مالک رسمی خواهد شناخت یا کسی را که یکی از جهات شرعیه ملک باو منتقل و سته انتقال آق نیز در دفتر املاک ثبت شده باشد یا این که از مالک رسمی بارت باو رسیده باشد و ماده صد و هفتم می نویسد ثبت حقوق در دفتر ثبت املاک سند رسمی حقایق صاحبان حقوق مزبور است اهم از این که در ضمن ثبت خود ملک یا علیحده ثبت شده باشد هر حقی که در دفتر املاک ثبت شده باشد رسیت بآن داده نمی شود.

مالکیت منافع و حقوق راجعه به آن مثل مورد اجاره مزارعه خارج از حکم این ماده است.

ماده صد و نوزدهم میگوید: پس از ثبت ملک دهای راجع بسقوط حقی راجع



بآن ملك در محاکم عدلیه از کسی پذیرفته نخواهد شد .

ولی اگر در ضمن ثبت ثقلب و تزویری اعمال شده باشد اشخاصی که باین ترتیب متضرر شده اند می توانند بر علیه کسانی که ثقلب نموده اند برای جبران خسارات خود اقامه دعوی نموده و پس از صدور حکم محاکم صالحه عین ملك را در صورتی که در تصرف ثقلب کننده باشد و یا قیمت آن را بملاوه خسارات وارده اخذ کنند هر گاه تقصیر از طرف مدیر ثبت اسناد و املاک بوده و مدیر مزبور قادر بجبران خسارات وارده نباشد اقامه دعوی ممکن است بر علیه دولت در محاکم عدلیه بعمل آید (بعضی گفتند این قانون هنوز تصویب نشده است) .

**شیخ الاسلام** - تأمل فرمایند همین را که آقای وزیر عدلیه فرمودند و بر طبق عقیده شان ایستاده اند باید پس بگیرند . عرض کردم رفت و دیگر بمجلس نمی آید اگر ما کاری داریم باید حالا بکنیم ما دیگر در میدان توپخانه آنرا می بینیم بنده باز سؤال را تکرار میکنم ، مقصود اصل دوم واصل بیست و هفتم قانون اساسی است که می گوید هر قانونی که مخالف با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد اگر تمام تقلین آنرا امضاء کنند قانون نخواهد شد میوهام از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که در صورتی که این قانون که بمجلس تقدیم کرده اند مجری شد ملکی هم ثبت شد آنوقت اگر زید یا عمر و یا بنده يك حکم قطعی از بکنه حاکم شرع که بمصادق حقیقی مومن امتحان الله قلبه لایمان باشد آوردیم آیا در مقابل آن ثبت پذیرفته می شود یا خیر ؟ و در صورتی که دولت برخلاف حق بگوید من نمی خواهم این حکم شرعی را جاری کنم اگر صاحب حکم خودش برود آن حکم را بموقع اجرا بگذارد دولت مزاحمتی باو خواهد کرد یا خیر

**وزیر عدلیه** - يك قسمت از سؤال آقای شیخ الاسلام متوجه رأی گذشته مجلس بود این قسمت مربوط بعمل من نیست من نباید مدافع رأی مجلس باشم مجلس رأی داد آنچه از کمیسیون عدلیه بگذرد قانون است حالا غلط بود یا صحیح بنده نمیدانم اکثریت قریب باتفاق رأی داد و در این خصوص هر اعتراضی بشود متوجه بنده نخواهد بود فقط چیزی که در سؤال ایشان برای بنده غیر روشن ماند این بود که در سؤال اول نماینده محترم مدافع تصرف بودند و بعد در سؤال دوم اعتراض بر تصرف داشتند زیرا در سؤال اول فرمودند شرعاً دست تصرف قوی و محترم است در سؤال دوم بر تصرفات اعتراض کردند سؤال می کنم آیا در يك مورد بخصوص دو عقیده باید داشت که در دو با یکدیگر متضاد باشد ؟ حالا از این مطلب می گذریم .

جمله معترضه بود که عرض کردم در هر صورت اگر دست تصرف قوی است در هر دو مورد باید قوی باشد یعنی هم در مورد آقای اسلامی وهم در مورد فقرا وضعی بروجرد و لرستان باید قوی باشد پس در حقیقت يك اصل واحد و مشترک باید اتخاذ شود فرمودند ما از این قانون در میدان توپخانه اطلاع پیدا خواهیم کرد خیر نظرنامه داخلی طرفی معین کرده است ( اگر چه وظیفه من نیست بگویم ) کمیسیون عدلیه مرکب از دوازده نفر از نمایندگان است که انشاء الله خود جناب عالی هم در چهاردهم حمل جزو آنها انتخاب خواهید شد و اگر اعتراضاتی دارید بکمیسیون عدلیه پیشنهاد بفرمایند کمیسیون عدلیه هم البته آنرا در نظر خواهد گرفت و موافق میل و داغخواه حضرت عالی اصلاح خواهد شد و لازم نیست در میدان توپخانه از قانون عدلیه خبر پیدا کنید در خود مجلس شورای ملی ممکن است مستحضر باشید دیگر اینکه سه چهار فقره ایراد فرمودید که این قانون برای ایجاد مخارج هنگفت و پیدا کردن کار برای بیکار و تهییج حقوق فقراء وضعی تأسیس شده خیر این طور نیست بنده عرض می کنم اگر از نقطه نظر مادی و منفعتی نگاه کنیم امیدواری میرود که در آتی علاوه بر اینکه اداره ثبت اسناد مخارج گزافی برای دولت نداشته باشد عایدات ثبت اسناد برای تمام مخارج قضائی ما کافی باشد پس برای خرج هنگفت تأسیس نشده برای حصول عایدات هنگفت است هیچ ضرر ندارد يك مجلسی پیدا کنیم که هم عایدی داشته باشد وهم اسباب اعتبار معاملات باشد در خصوص تهیه کار برای بیکاران فرمایشی فرمودید بنده عرض می کنم وظیفه فرد فردا است برای بیکاران مملکت کار پیدا کنیم زیرا مملکت محتاج بکار است تمام اهالی مملکت فقیرند و وظیفه مجلس شورای ملی است کسی را که کار برای بی کاران تهیه می کند تشویق نماید زیرا تمام افراد مملکت باید بتوانند تأمین معاش و روزی خود را بکنند این البته نیت خوبی است ولی اگر جناب مستطاب عالی طرفدار فقراء وضعی هستید این اصل را باید زیاد تر تمیق فرمایند

**وحید الملک** - دولت باید اینکار را بکند  
**وزیر عدلیه** - همه باید تهیه کار کنند دیگر اینکه بر بعضی از این مواد اعتراضی فرمودید ویرسیدید پس از اینکه يك نوشته ثبت شد و از محضری یکی از حکام شرع حکمی صادر شد آیا مطاع خواهد بود یا خیر جواب این است البته همیشه البته بنده نمی دانم حضرت عالی فرصت فرمودید این قانونرا از سر تا آجر بغوانید یا خیر ؟ اگر از اول تا آخر خوانده اید ملاحظه فرموده اید

که در این قانون شرایط و دستوراتی برای ثبت معین شده و باید بآن عمل شده اگر کسی ادعائی دارد در مدتی که در این قانون معین شده و بعد کافی است می تواند اعتراض کند و اگر جناب عالی این مدت را کم می دانید مربوط بسؤال از بنده نیست شما وکیل هستید و حق انشاء قانون را دارید به کمیسیون عدلیه پیشنهاد بفرمایند این مدت چهار ماه که برای پذیرفتن شکایات لازم است کم است و باید هشت ماه بشود یا سه مقابل بشود بملاوه گمان می کنم ماده ۱۱۹ جواب جناب عالی را می دهد اگر در ضمن ثبت تزویر و تقلبی شده باشد فلان و فلان می شود اگر از محضر شرعی حکم بر حقیقت شخص دیگری صادر شده باشد لابد شخص اولی از روی ثقلب و تزویر آن سند را ثبت کرد حاکم شرع که بدون مدرک حکم نمی دهد حاکم شرع مدارک را دیده و حکم بمن داده است طرف هم حکم نوشته اش ثبت شده لابد متوسل بتزویر و ثقلب شده که این معامله را ثبت کرده آن وقت بر طبق این ماده بمحکمه عرض حال می دهد و ملک را از دست اومی گیرند و به تصرف مالک می دهند زیرا که ملکیت او هم بر حسب حکم محترم مجری شده است

**شیخ الاسلام** - آقای وزیر عدلیه فرمودند این قانون بکمیسیون میرود بنده نمی دانم این قانون که تقدیم مجلس شورای ملی کرده اند مطابق عقیده شان بوده و از او مدافعه خواهند کرد با مسوده است که تقدیم کرده اند و اینکه بر اظهار بنده راجع با احترام تصرف اعتراض کردند اگر چه فرمودند جمله معترضه است ولی باز بنده تکرار می کنم تصرف محترم است ولی احترام تصرف مانع از ادا نیست مقصود بنده این است که مزاحمت متصرف بدون مستند شرعی حرام است ولی مزاحمت تصرف یعنی اینکه بگویند یا خانه حاکم شرع حاضر شد بملك تو ادعا دارم این دو مسئله ما نمالجمع نیست و منافاتی نداود و در آخر هم تصدیق فرمودند که حکم شرعی پذیرفته است منظور بنده هم این بود که در نطق شریفشان درج شود و بنده هم تمام این قانونرا دوسه مرتبه خوانده ام و انصافاً بهتر از سایر قوانینی است و اگر چه در مقابل قوانین اسلامی مثل آب در مقابل سرکه ترش است ولی خیلی با احتیاط نوشته شده مقصود این است که وقتی يك ملکی ثبت شده باشد اگر کسی چنین حکمی بدهد این حکم مجری است یا خیر خیلی هم خشود شدم که فرمودند مجری است و در صورت مشروح مجلس هم هست که بعد ها بتوانم هرایض خود را بکمیسیون عدلیه اظهار کنم  
**وزیر عدلیه** - البته این قسمت فرمایشات اخیر ایشان محتاج بذکر نبوده و راجع بقسمت اول فرمایشاتشان هم عرض

می کنم این مسوده نیست و لایحه قانونی است و آنرا امضاء کرده ام و البته معتقد هم بوده ام  
**رئیس** - چون روز شنبه مصارف با ولادت حضرت خامس آل عبا (ع) است جلسه روز یکشنبه سه ساعت بغروب مانده و دستور هم قانون منع صدور پوست بره خواهد بود  
(بعضی تقاضا نمودند جلسه آتی به شنبه باشد)

**رئیس** - عده برای رأی گرفتن کافی نیست روز یکشنبه خواهد بود  
**وزیر عدلیه** - نظر باینکه تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی فوق العاده محل احتیاج است و لایحه اش هم تقدیم مجلس شورای ملی شده و امروز هم شنیدم طبع و توزیع شده است از آقایان امضاء کمیسیون عدلیه استنداکم عصر یکشنبه کمیسیونرا منعقد کنند بلکه راپورت آن صادر شده حالا که جلسه را برای روز یکشنبه معین فرمودید استدعا می کنم مقرر فرمائید موقع دیگری کمیسیون عدلیه منعقد شده بلکه روز پنجشنبه آتی تفسیر اصل هفتاد و نهم در مجلس مطرح شده که بر طبق آن ماده بتوانیم قانون هیئت منصفه را تقدیم کنیم

**رئیس** - ممکن است بکمیسیون عدلیه صبح یکشنبه منعقد شود  
**وزیر عدلیه** - مزاحمت با کمیسیون بود چه خواهد کرد اگر روز دوشنبه باشد بهتر است  
**رئیس** - ممکن است برای شب دو شنبه منعقد شود  
(مجلس دوساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

**جلسه هشتاد و چهارم**  
صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه چهارم شعبان ۱۳۴۰ مطابق دوازدهم حمل ۱۳۰۱  
مجلس تقریباً دوساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید  
صورت مجلس یوم پنجشنبه نهم حمل ۱۳۰۱ قرائت شد  
**رئیس** - گویا نسبت بصورت مجلس ایرادی نباشد آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

**شیخ الاسلام** - آقای وزیر عدلیه در جواب بنده دو مرتبه تصریح فرمودند که در مقابل قانون ثبت اسناد حکم شرعی پذیرفته میشود و اینجا بطور غیر قطعی نوشته شده است  
**رئیس** - دو مرتبه قرائت میشود گمان نمی کنم در اینجا مجهول نوشته شده باشد  
(مجدداً جواب آقای وزیر عدلیه قرائت شد)